



## تسریع مذاکرات صلح؛

### محور بحث خلیل‌زاد با هیأت‌های مذاکره‌کننده دولت و طالبان در دوحه

اطلاعات روز: زلمی خلیل‌زاد، نماینده ویژه‌ی  
امریکا برای صلح افغانستان در جریان...

صفحه ۲

### آتش‌سوزی «شدید» در گمرک ابونصر فراهی در ولایت فراه

صفحه ۲

### اعتراض به گشته‌شدن هفت کارگر؛

### «مسئولان محلی نگرهار به نهادهای عدلی و قضایی معرفی شوند»



صفحه ۲

### کابل‌نان؛

### خارهای خننده‌ی اطراف گل‌بهار

صفحه ۳

### یادداشت روز

## آنکارا یا دوحه؛ مشکل میدان‌های جنگ افغانستان است

هفته گذشته زلمی خلیل‌زاد فرستاده ویژه  
امریکا برای صلح افغانستان، به کابل آمد. او  
با بسیاری از چهره‌های سیاسی حکومتی و  
بیرون از حکومت دیدار کرد. دیدارهای فشرده  
خلیل‌زاد با نیروهای سیاسی افغانستان، برای  
بسیاری پرسش‌برانگیز بود. او وقتی کابل را  
ترک کرد، گفت سفرش پربار بوده است. هنوز  
جزئیاتی روشن از این سفر در دست نیست،  
اما رسانه‌های افغانستان از جمله اطلاعات روز  
معلوماتی را همگانی کرد که در این سفر ظاهراً  
فرستاده ویژه وزارت خارجه امریکا برای صلح  
افغانستان حامل طرح تازه از طرف دولت جدید  
امریکا بوده که می‌تواند روند صلح افغانستان  
را دست‌خوش تغییرات کند.

آنچه رسانه‌های افغانستان به جزئیات طرح  
جدید ایالات متحده امریکا دست یافته،  
در بردارنده امید و نگرانی‌های تازه است.  
منابع آگاه به اطلاعات روز تأیید می‌کنند  
آقای خلیل‌زاد در دیدارش از کابل حامل  
نامه‌ی ویژه از طرف وزیر خارجه‌ی ایالات  
متحده بوده است...

۲



## افتتاح سال جدید تقویمی شورای ملی؛ غنی: قدرت تنها از راه انتخابات قابل انتقال است

۴

### اخلاق حکم می‌کند امریکا در افغانستان بماند



۷

### پیکر سترجنرال نبی عظیمی از اوزبیکستان به کابل منتقل شد

اطلاعات روز: وزارت دفاع ملی اعلام کرده است که  
پیکر سترجنرال نبی عظیمی، معاون سابق این وزارت  
از اوزبیکستان به کابل انتقال داده شده است.  
وزارت دفاع با نشر خبرنامه‌ی گفته است که...

۲

### رییس دادستانی امنیت ملی هلمند در انفجاری کشته شد



۲

### مؤارش

## دشواری‌های اجرای عدالت انتقالی در توافق سیاسی صلح چه عواملی پس از صلح مانع نقض حقوق بشر می‌شود؟

عدالت انتقالی را شامل دامنه‌ی وسیعی از اقداماتی تعریف  
کرد که به‌عنوان واکنش در برابر نقض گسترده حقوق بشر  
در شرایط جنگی عمل می‌کند.  
طوری‌که خانم صالحی اذعان کرد، عدالت انتقالی یک  
قالب با معیار جهانی ندارد و در زمینه‌های...

سازمان حقوق بشر و دموکراسی افغانستان در ادامه  
سلسله نشست‌های «عدالت، رواداری و صلح‌سازی» روز  
پنج‌شنبه میزبان نشست دیگری زیر عنوان «عدالت  
انتقالی در ایجاد صلح؛ درس‌هایی برای افغانستان» بود.  
رابعه صالحی که گرداندگی این برنامه را بر عهده داشت،

### ترجمه



## زنان هندی، پیشگام اعتراضات کشاورزان؛ «دیگر اجازه نمی‌دهم مرا بترسانند یا بخرند»

پیام به زنان واضح بود: به خانه برگردید. از ماه نوامبر،  
صدها هزار کشاورز در مکان‌های مختلف در حومه  
پایتخت هند جمع و خواستار لغو سه قانون کشاورزی...

۳

### مؤارش

## نقاش دردها زندگی در کابل برای روایت‌کردن

اتاق کار لطیف اشراقی در یک ساختمان پنج‌منزله در  
ایستگاه «نقاش» دشت برچی موقعیت دارد؛ اتاقی  
نسبتاً کهنه و کمی نامنظم اما پر از تابلوهای نقاشی  
و وسایل کار. فضای نسبتاً تاریک و شلوغ اتاق آدم  
را یاد فضای کار شخصیت‌های نابغه و غیرمعمولی  
می‌اندازد که در فیلم‌ها دیده‌ایم و یا در کتاب‌ها  
درباره‌اش خوانده‌ایم. آن روزی که من سزاغ او رفتم  
در اتاق تنها بود. می‌گفت بیشتر وقتش را در این‌جا  
سپری می‌کند و حتا گاهی روزهای جمعه هم کار  
می‌کند. تنها بودن در اتاقش را دوست دارد و این  
برایش نیروی مضاعف برای کار می‌دهد. اشراقی  
اهل رسانه نیست و از شبکه‌های مجازی استفاده  
نمی‌کند، تلفن هوشمند ندارد و به ندرت به اخبار  
گوش می‌دهد. استدلالش این بود که «خبرهای  
خیلی مهم را به هرنحوی باخبر می‌شوم. نیاز نیست  
خودم را درگیر چیزهایی کنم که به زندگی کاری و  
حرفه‌ای من ربطی ندارند»...

۳

## فروش ویژه

شروع سال تحصیلی ۱۴۰۰ با کتاب‌های کمک آموزشی هشت پا  
ویژه کودکان و مکاتب از صنف اول الی صنف ششم

انتشارات کودکان؛ ناشر پیشرو در انتشار کتاب و مواد آموزشی برای کودکان و مکاتب

فروشگاه مرکزی: کابل، کارخانه ۴، چهارمین بل سرح، مارکت اجازتی ملی، مجتمع کتابستان منزل لیل، انتشارات و فروشگاه کودکان

۰۷۸۹۹۲۱۵۸ - ۰۷۸۹۹۲۱۵۸ - ۰۷۷۳۳۵۹۰۰۰ - ۰۷۸۸۹۳۶۰۹۰

ادرس نمایندگی‌های ولایات

نماینده‌گی ۱ مزار شریف: جاده زینت‌الوجه، ماما ابراهیم، نزدیک مدرسه سلطانیه، بوستان فرهنگی اقل فرنا ۰۷۸۷۳۳۵۹۰۰۰ | ۰۷۸۸۸۸۰۰۰۰

نماینده‌گی ۲ مزار شریف: نمایندگی بین‌المللی دانشی کتاب سعادت، مقابل کتابفروشی بهمنی | ۰۷۷۹۹۰۰۰۰۰۰۰

نماینده‌گی ۱ هرات: «سیریل» چهارده منری، بالا، روی روی سوبر کولا، کتابسرای جعفری | ۰۷۸۸۸۸۰۰۰۰۰ | ۰۷۸۸۸۸۰۰۰۰۰

نماینده‌گی ۲ هرات: چوک گله، جنب کتابخانه جامع، انتشارات فاروقی | ۰۷۸۸۸۰۰۰۰۰ | ۰۷۸۸۸۰۰۰۰۰

نماینده‌گی بامیان: بازار باغیان، جوار مارکت سبزی و میوه فروشی، کتابفروشی معرفت | ۰۷۷۴۹۰۰۰۰۰ | ۰۷۷۳۳۵۹۰۰۰



خواندن توانستن است

## ادامه‌یادداشت‌روز

در این نامه از مقامات دولت افغانستان خواسته شده است که به روند صلح سرعت داده شده و اجماع داخلی برای مذاکره با طالبان در سطحی جدید ایجاد و سطح مذاکرات با طالبان بلند برده شود. جزئیات بیشتر این طرح براساس آنچه که اطلاعات روز از آن آگاهی یافته تغییرات صددرصدی در هیأت مذاکره‌کننده، انتقال روند صلح از دوحه به آنکارا، انتقال قدرت به حکومت انتقالی پس از توافق، مسائل اساسی است و ورود رسمی سازمان ملل به‌عنوان ناظر روند را شامل می‌شود. این معلومات به‌نظر می‌رسد شالوده اصلی تغییر در سیاست اداری جدید کاخ سفید نسبت به روند صلح افغانستان است که پس از تغییر قدرت در امریکا، طرف‌های درگیر افغانستان منتظر آن بودند. خلیل‌زاد برای درمیان‌گذاشتن این طرح به دوحه رفته است. اگر طالبان به با آن موافقت کنند، روند مذاکرات بین‌الافغانی دوحه به‌طور رسمی کنار گذاشته خواهد شد و روندی تازه‌ای در آنکارا شروع می‌شود. مبتنی بر اطلاعات روی دست، از چشم‌انداز تاکتیکی این طرح نه برای طالبان و نه برای دولت افغانستان منافع یا ضرر تازه‌ای تعریف نمی‌کند. ظاهراً سیاست اداری جدید کاخ سفید نسبت روند صلح، ادامه روند دوحه با تغییرات اندک در آنکارا است. اما مبتنی بر اطلاعات حاضر، دو تغییرات نسبتاً قابل توجه در طرح تازه به چشم می‌خورد. اول، ورود رسمی سازمان ملل به روند صلح افغانستان. منابع تأیید می‌کنند که ایالات متحده بنا دارد در روند جدیدی که در آنکارا آغاز می‌شود، سازمان ملل متحد مسئولیت نظارت و میانجی‌گری مذاکرات را به عهده بگیرد. در واقع شبیه کنفرانس بن. روند آنکارا مستقیماً زیر نظارت و میانجی‌گری سازمان ملل برگزار خواهد شد. ورود سازمان ملل به این روند امر نیک است. از آغاز روند صلح افغانستان، یکی از چالش‌هایی که مشروعیت سیاسی و حقوقی مذاکرات و توافقات صورت‌گرفته را تهدید کرده، غیبت نهادهایی در سطح سازمان ملل و شورای امنیت، ناتو و دیگر بازیگران منطقه‌ای و جهانی بود. دوجانبه‌گری در مذاکرات و غیبت نهادهای ناظر جهانی معتبر در این مدت باعث شد، همه طرف‌ها، البته بیشتر طالبان به‌راحتی توافقات و تعهدات را بر وفق منافع‌شان زیر پا بگذارند.

دوم، در این طرح به‌طور روشن سخن از انتقال قدرت به حکومت انتقالی به میان آمده است. براساس طرح جدید پس از شروع روند جدید در آنکارا و حصول توافق بر سر مسائل اساسی، انتقال قدرت به دولت انتقالی صورت خواهد گرفت. اولین بار است که این گونه صریح سخن حکومت انتقالی روی میز نیروهای سیاسی از جمله دولت افغانستان گذاشته می‌شود. در روند دوحه این مسأله تنها جسته و گریخته از زبان شماری از چهره‌های سیاسی مطرح می‌شد.

این تغییر در واقع همان بعد نگران‌کننده طرح جدید است. سخن از حکومت انتقالی و کنارگذاشتن یک نظم سیاسی در شرایطی که طالبان اندک انعطاف‌پذیری هم ندارند، می‌تواند در نفس خود خطرناک باشد. اندک بروز اختلاف و تهدید می‌تواند انتقال صلح‌آمیز قدرت را به مخاطره انداخته و سر از یک هرج‌ومرج سیاسی بیرون کند.

چدا از نقطه‌های تاریک و روشن طرح جدید و تغییر در سیاست اداری جدید کاخ سفید نسبت به روند صلح افغانستان یا رفتن روند از دوحه به آنکارا، اما مسأله اصلی میدان جنگ افغانستان است. پیش از هر چیزی نیاز است که خون‌ریزی در میدان جنگ در افغانستان متوقف یا دست‌کم کاهش قابل ملاحظه پیدا کند؛ زیرا خشونت روند صلح را خدشه‌دار می‌کند. از آغاز روند صلح در حدود ۳۰ ماه قبل تاکنون به‌طور پیوسته خشونت در افغانستان بیشتر شده است. بیشتر از هر طرف دیگر، طالبان برای امتیاز در میز مذاکره با کارت خشونت در میدان جنگ بازی کرده‌اند. تا زمانی که مذاکرات معنادار و معطوف به پیشرفت نباشد، از نظر مردم افغانستان روند آنکارا ادامه‌ی همان دوحه است. بی‌اعتمادی و خشونت باید کنار گذاشته شود و انعطاف‌پذیری جایش را بگیرد.

## آتش‌سوزی «شدید» در گمرک ابونصر فراهی در ولایت فراه

اطلاعات روز: مسئولان محلی در ولایت فراه می‌گویند که در گمرک شیخ ابونصر فراهی این ولایت آتش‌سوزی صورت گرفته و هنوز مهار نشده است. تاج محمد جاهد، والی فراه در صحبت با روزنامه اطلاعات روز آتش‌سوزی را «شدید» توصیف کرد و گفت که امکانات کافی برای مهار این آتش‌سوزی در بندر شیخ ابونصر فراهی وجود ندارد. آقای جاهد افزود که چهار ذخیره‌گاه مواد نفتی و گاز در گمرک ابونصر فراهی آتش گرفته است و تیم‌های موجود آتش‌نشانی حدود ۵۰ درصد آتش‌سوزی را مهار کرده‌اند. به گفته‌ی او، از ایران نیز برای مهار آتش‌سوزی کمک خواسته شده و تیم‌های آتش‌نشانی آن کشور در گمرک مستقر می‌شوند. جاهد تأکید کرد که وسایط نقلیه به ساحه‌ی امن منتقل شده است تا جلوگیری خسارات گرفته شود. تصاویر منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد که آتش‌سوزی در بندر شیخ ابونصر فراهی گسترده است. طی دو هفته اخیر، این دومین بار است که در گمرک فراه آتش‌سوزی صورت می‌گیرد. در ۲۵ ماه دلو، آتش‌سوزی مهیب در گمرک اسلام قلعه هرات رخ داد. بر بنیاد آمار اتاق تجارت و سرمایه‌گذاری هرات بیش از ۱۰۰ میلیون دالر امریکایی در این آتش‌سوزی دود هوا شد. خان‌جان الکوزی، معاون اتاق تجارت و سرمایه‌گذاری کشور، در جریان سفرش به ولایت هرات تأکید کرده بود که باید امکانات برای مهار آتش‌سوزی‌ها در گمرکات کشور افزایش پیدا کند.

## تسریع مذاکرات صلح؛

## محور بحث خلیل‌زاد با هیأت‌های مذاکره‌کننده‌ی دولت و طالبان در دوحه

غنی، عبدالله عبدالله رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی و شماری از رهبران احزاب و چهره‌های سیاسی دیدار کرد. پیشتر چندین منبع معتبر از دولت افغانستان به روزنامه اطلاعات روز گفته بودند خلیل‌زاد طرح ایالات متحده برای ایجاد یک حکومت عبوری و انتقال قدرت از دولت فعلی به دولت عبوری را به رهبران دولت افغانستان سپرده است. رییس‌جمهور اشرف غنی اما دیروز هنگام افتتاح سال سوم کاری دوره هفدهم تقنینی شورای ملی این طرح را خواب و خیال خواند و بر انتخابات به عنوان تنها راه انتقال قدرت تأکید کرد.

محمدنعیم گفته است که دو طرف در این دیدار ضمن تعهد بر توافق‌نامه‌ی دوحه، روی تطبیق کامل آن صحبت کرده‌اند. به گفته‌ی او، در این دیدار در مورد وضعیت کنونی افغانستان و تسریع و موثریت روند جاری مذاکرات بین‌الافغانی نیز بحث شده است.

زلمی خلیل‌زاد در دهم حوت سفرش در پیوند به صلح افغانستان را آغاز کرد. این نخستین سفر منطقه‌ای خلیل‌زاد در دولت جدید امریکا به رهبری جو بایدن است. او نخست به کابل آمد و پس از سه روز اقامت، به دوحه رفت.

خلیل‌زاد در کابل با رییس‌جمهور اشرف

است که در این دیدار بر نقش سازمان ملل در روند صلح، تقویت اجماع منطقه‌ای و از بین بردن جنگ و خشونت‌ها در کشور تأکید شده است.

در همین حال، محمد نعیم، سخن‌گوی دفتر سیاسی طالبان در قطر است که زلمی خلیل‌زاد شام روز جمعه با ملا عبدالغنی برادر، معاون سیاسی و رییس دفتر این گروه در قطر دیدار کرده است. او در رشته‌توییتی نوشته است که در این دیدار اعضای هیأت مذاکره‌کننده‌ی طالبان و جنرال اسکات میلر، فرمانده نیروهای ناتو در افغانستان نیز حضور داشته‌اند.

اطلاعات روز: زلمی خلیل‌زاد، نماینده‌ی ویژه‌ی امریکا برای صلح افغانستان در جریان سفرش به دوحه، پایتخت قطر، با اعضای هیأت‌های مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان و گروه طالبان دیدار کرده است.

شریفه زرمتی، عضو هیأت مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان گفته است که در دیدار خلیل‌زاد با اعضای این هیأت روی تسریع و حمایت از روند صلح بحث و گفت‌وگو شده است. این دیدار عصر روز پنج‌شنبه (۱۴ حوت) انجام شده است.

خانم زرمتی در یک کلیپ ویدیویی گفته

## درس‌های حضوری دانشگاه‌های دولتی و خصوصی دیروز آغاز شد

سال ۱۴۰۰ خورشیدی آغاز و در هفتم ثور پایان می‌یابد. امتحانات چانس دوم نیز از دهم ثور الی ۱۹ ثور سال آینده گرفته خواهد شد.

براساس فیصله‌ی شورای رهبری وزارت تحصیلات عالی، درس‌های سمستر بهاری دانشگاه‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی دولتی و خصوصی قرار است در ۲۰ ماه ثور سال آینده آغاز شود. کابینه‌ی دولت جمهوری اسلامی افغانستان در ۲۶ عترب سال جاری فیصله کرده بود که دانشگاه‌های دولتی و خصوصی به‌خاطر جلوگیری از شیوع موج دوم ویروس کرونا در فصل سرما، سر از تاریخ هشتم قوس الی ۱۵ حوت رخصت شوند.

## اعتراض به کشته‌شدن هفت کارگر؛

## «مسئولان محلی ننگرهار به نهادهای عدلی و قضایی معرفی شوند»

«بی‌رحمانه» توصیف کرده بودند. در تصاویری که از پیکرهای آنان نیز منتشر شده، نشان می‌دهد که دستان آنان بسته و سپس به‌صورت «فجیع» به قتل رسیده‌اند. اجساد این کارگران در روز پیش به کابل، بامیان و غزنی منتقل شد. خانواده‌های آنان، دو روز پیش در اعلامیه‌ای از حکومت به‌ویژه رییس‌جمهور اشرف غنی خواستار شناسایی عاملان رویداد و مجازات آن‌ها از طریق نهادهای عدلی و قضایی شدند.

در اعلامیه‌ی خانواده‌های این قربانیان آمده است؛ کارگرانی که در کارخانه‌ی گچ‌سازی کار می‌کردند افراد عادی بودند که برای کسب درآمد مشروع از کابل عازم ننگرهار شده بودند.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان هم خواسته شده است که در مورد این قضیه تحقیق و نتایج آن را با مردم افغانستان شریک کنند.

از سویی هم، معترضان تأکید کرده‌اند که دولت افغانستان نیز برای جلوگیری از وقوع چنین رویدادی در آینده، اقدامات عملی را روی‌دست گیرد.

هفت کارگر کارخانه‌ی گچ‌سازی در ولسوالی سرخ‌رود ننگرهار سه شب پیش از سوی تفنگ‌داران ناشناس کشته شدند. در آن هنگام، اجمل عمر، معاون شورای ولایتی ننگرهار در صحبت با روزنامه اطلاعات روز گفته بود که کارگران کشته‌شده در این رویداد، از قوم هزاره‌اند.

مسئولان محلی ننگرهار این رویداد

سرخ‌رود را به‌دلیل غفلت و بی‌توجهی در امر تأمین امنیت شهروندان کشور به نهادهای عدلی و قضایی معرفی کنند.»

معترضان از جامعه‌ی جهانی و سازمان ملل متحد نیز خواسته‌اند که از کنار «فاجعه» کشتار کارگران کارخانه‌ی گچ‌سازی در ولسوالی سرخ‌رود ننگرهار به سادگی نگذردند.

آنان افزوده‌اند که جامعه‌ی جهانی باید مسئولان حکومت افغانستان را با استفاده از روش‌های دموکراتیک و مشروع تحت فشار قرار دهند و در مورد رویداد ولسوالی سرخ‌رود ننگرهار مجبور به پاسخ‌گویی کنند.

در قطع‌نامه از هیأت معاونیت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) و

اطلاعات روز: به‌دنبال کشته‌شدن هفت کارگر یک کارخانه‌ی گچ‌سازی در ولسوالی سرخ‌رود ولایت ننگرهار، شماری از ساکنان بامیان دیروز (شنبه، ۱۶ حوت) در مقابل دفتر ساحوی کمیسیون مستقل حقوق بشر گردهمایی اعتراضی برپا کرده‌اند.

معترضان در یک قطع‌نامه‌ی هشتم‌ماده‌ای، مسئولان امنیتی و حکومت محلی در ننگرهار و ولسوالی سرخ‌رود را به «غفلت و بی‌توجهی به تأمین امنیت» این کارگران متهم کرده و خواهان معرفی آنان به نهادهای عدلی و قضایی شده‌اند.

در قطع‌نامه تأکید شده است: «از حکومت مرکزی کشور می‌خواهیم [که] مسئولان محلی و امنیتی ولایت ننگرهار و به‌ویژه مسئولان و مقامات درجه اول ولسوالی

## پیکر سترجنرال نبی عظیمی از اوزبیکستان به کابل منتقل شد

ملی، جنرالان و افسران و اعضای خانواده‌ی او در کابل به خاک سپرده شود. یک کمیسیون نیز براساس هدایت رییس ستاد ارتش به‌منظور تشییع جنازه و برگزاری مراسم خاکسپاری نبی عظیمی تعیین شده است.

او در ۱۳ حوت در تاشکند، پایتخت اوزبیکستان در گذشت. سترجنرال نبی عظیمی در هنگام مرگ ۷۸ سال سن داشته است. او کتابی را تحت عنوان «اردو و سیاست» نوشته است.

اطلاعات روز: وزارت دفاع ملی اعلام کرده است که پیکر سترجنرال نبی عظیمی، معاون سابق این وزارت از اوزبیکستان به کابل انتقال داده شده است.

وزارت دفاع با نشر خبرنامه‌ای گفته است که پیکر نبی عظیمی دیروز (شنبه، ۱۶ حوت) طی تشریف ویژه با حضور محمدیاسین ضیا، رییس ستاد ارتش به شفاخانه‌ی «سردار محمدداوودخان» منتقل شده است. به نقل از خبرنامه، قرار است امروز پیکر معاون سابق وزارت دفاع، در یک مراسم ویژه‌ی نظامی با حضور مقام‌های ارشد وزارت دفاع

کابل‌نان

## خارهای خَلنده‌ی اطراف گل‌بهار

سهراب سروش

چنانچه سر کوه‌های بلند همیشه باد می‌وزد، اطراف مرکز تجارتي گل‌بهار، واقع در مرکزی‌ترین نقطه‌ی شهر کابل همیشه ترافیک سنگین است؛ آن قدر سنگین که بعضی رانندگان موتورهای‌شان را خاموش کرده پشت فرمان‌ها خواب‌شان می‌برند. در آن هنگام گداها و کودکان خیابانی آستین برزده به میدان می‌آیند. منظورم از میدان، میدان کار و کاسبی است، اگر نه از چهارراهی صدارت تا پیش گل‌بهار حتا یک وجب جای خالی باقی نمی‌ماند که به آن میدان بگوییم، همه‌جا را قطار موتورها با گشتار مورچه‌ای پر می‌کنند.

اگر روزی داخل یکی از آن موتورها بند مانده باشی، خواهی دید که از کودک شیرخوار تا پیرمرد هشتاد ساله، از دختر جوان جوراب‌فروش تا مرد کاملاً فلج، به شیوه‌های گوناگون از تو خیرات می‌طلبند. چند روز پیش که من آن‌جا در ترافیک گیر کرده بودم، با دقت گداها را حساب کردم: اول نوجوانی آمد و با یک جول نم‌ناک و ناشسته شروع کرد به مالیدن شیشه‌های موتور ما، آن قدر مالید تا راننده فحش داد. بعد کودکی پیدا شد و پشت شیشه اسپند دود کرد؛ بعد دختری از سوراخ پنجره یک جفت جوراب را داخل افگند که سواری کنار من دوباره آن را بیرون انداخت. بعد یک دختر زیبایی دیگر پیدا شد. او درحالی‌که به موتورها آدم‌های دیگر نگاه می‌کرد، دستش را پیش من دراز گرفته بود و زاری می‌کرد: «ای لالا جان، ای ماما جان، یک دهی‌ی کگ خو بتی»؛ پس از آن زنی نزدیک شد با داستان دراز و گردن کج که از زیر چادری چنان گریه و زاری می‌نمود که گویی تازه عجزی را از دست داده است، سپس نوبت به پیرمردی رسید که آرام و آرام فقط دعا و ثنا می‌کرد؛ بعد مرد مفلوجی خودش را به موتور ما رساند که من چهره‌اش را خوب ندیدم، فقط دستانش را دیدم که پیوسته به شیشه‌ی موتور تکتک می‌زد. در جمع این گداها یک طفل دو، سه ساله را نیز دیدم. گویی تازه راه رفتن را تمرین می‌کرد. او به «پمپو» موتوری که در نزدیکی موتور ما بود، تکیه داده، چنان مستقیم به چشمانم زل زده بود که در مواقع پلک‌زدنش، انگار دو تا سیم لوچ درون جمع‌هم به هم وصل می‌گردید و من دچار احساس مانند برق‌گرفتگی می‌شدم.

این چهره‌ها و این صحنه‌ها برای کسی که چند صباحی را در کابل گذرانده، غریب و ناآشنا و باشد ولی فکر نمی‌کنم تا به حال دیده باشید که کسی با بلندگو گدایی کند. من اما دیدم. همان روز در همان خیابان دیدم؛ مرد نابینایی بود که با یک دست از بازوی یک کودک گرفته بود و با دست دیگر دو چیز را همزمان نگهداشته بود؛ هم عصای دراز فلزی‌اش را و هم بلندگوی کوچکی را که به تکرار در آن پف می‌کرد و اعلان می‌کرد: «مسلمانای خدایپرست اسلام العلیکم و رحمت‌الله و برکاته! می‌بینید که معیوب، ناجور و نابینا استوم، چوچه‌دار و اولاددار استوم، اولادکایم گشنه استند، شما باور به خدا کنید که پیسه‌ی یک توتنه نان نداریم. با برادران کمک کنید. خداوند متعال همراهی شما کمک کند. خیرات، زکات و صدقه رد بلا است. به رضای الله برای برادر نابینا و مستحق تان کمک کنید. خداوند متعال از آفت و بلا دور نگاه‌تان کند.»

در مدت زمانی که من آن‌جا بودم، ندیدم کسی به او کمک کند. در عوض او تبدیل به سوژه‌ی رانندگان و سواریان‌شان شده بود. اول یک راننده با صدای بلند پرسید: «صوفی؛ بلندگوی ته چند خریدی؟» خیلی‌ها زدند زیر خنده. خنده‌ها ولی اخلاقی در اعلان او وارد نکرد. چند دقیقه بعد یک نفر از موتور پشت سر ما موبایلش را بالا گرفت تا از او فیلم بگیرد. این مورد اعلانش را مختل کرد. چون کودک فوری به مرد گزارش داد که کسی از ما فیلم می‌گیرد. مرد حرف کودک را نشنید. به همین خاطر حرف زدن در بلندگو را متوقف کرد و گوشش را تا دهان پسرک پایین آورد. وقتی دوباره سرش را بالا برد، در بلندگوش گفت: «خداوند متعال کسی را که فیلم‌پوری می‌کند، به عذاب دوزخ گرفتار کند.» خنده‌ها بیشتر شدند. وقتی مرد به کمک کودک همراهش به طرف پیاده‌رو می‌رفتند، فیلم‌بردار با صدای بلند او را خطاب قرار داد: «خدا جان اگر حرفت را می‌شنید، حالی تو در اینجه با لاس‌پیکر خیرات جمع نمی‌کردی.» این‌جا کابل جان است.

لحظه‌های خوب بسیار ناچیز و کم هست. اکثر کارهای من برای به تصویر کشیدن دردها اختصاص یافته است. اما در عین حال آقای اشراق باور دارد که هنرمند در این سرزمین جدی گرفته نمی‌شود: «هنرمند نه زور دارد و نه ثروت. در این‌جا بیشتر آدم‌های بی‌سوادند که قدرت و توانایی دارند و نه یک هنرمند.» به باور آقای اشراق برای حمایت از هنرمندان شرط مهم و اساسی این است که باید به کارهای‌شان توجه شود اما در افغانستان آن‌هایی که توانایی خرید چیزی را دارند به جای خریدن اثر یک هنرمند پوسته‌های پاکستانی و کاملاً بی‌ارزش را روی دیوارهای خانه‌شان آویزان می‌کنند. و بعد می‌گویند «با این‌حال هستند کسانی که ارزش کار ما را درک می‌کنند. این کافی نیست اما امیدوارکننده است.»

### زندگی در کابل برای روایت کردن

زندگی در کابل برای هرکسی دشواری‌ها و البته خوبی‌های خاص خودش را دارد. برای اشراق اما کابل مکانی خوب برای کار است. زیرا آقای اشراق می‌گوید من باید در کابل باشم تا بتوانم وضعیت پیرامونم را به قالب نقاشی دربیآورم. «زمانی که در نمایشگاه بین‌المللی در فرانسه رفته بودم می‌توانستم دیگر برنگردم، اما من این کار را نکردم. من باید برمی‌گشتم تا هوای آلوده و متعفن کابل را نفس بکشم، باید این هوا را بیرون بدهم.» و بعد علاوه می‌کند «هنرمند به‌شدت متأثر از محیط است. من باید این‌جا باشم تا این محیط را به تصویر بکشم.» اما از آن‌جایی که هر کسی نمی‌تواند واقعیت‌های پیرامونش را به گونه قابل قبول توصیف کند آقای اشراق این کار را بیشتر رسالت هنرمندان می‌داند. و نیز می‌گوید «هنرمند باید عمیق و تیزبین باشد. برای همین هنرمند می‌تواند بهتر از هر کسی وضعیت جامعه‌اش را به تصویر بکشد.» البته در کنار این‌ها اشراق از محدودیت‌ها و بدی‌های زندگی در کابل نیز یاد می‌کند. بدترین چیزی که هنرمندانی چون آقای اشراق را در کابل اذیت می‌کند دسترسی‌نداشتن به امکانات کافی و به همین ترتیب توجه‌نداشتن به کارهای‌شان است.

### هنر و رازآمیزی

وقتی از آقای اشراق در مورد برداشت او از هنر می‌پرسم پاسخ می‌دهد «هنر اساساً تعریف‌پذیر نیست، بیشتر به یک امر رازآلود می‌ماند. در واقع هر زمان بخواهی تعریف مشخص از هنر بیرون بدهی آن را ناقص می‌کنی.» و بعد علاوه می‌کند «ارزش هنر برای من از همان‌جایی بیشتر می‌شود که رازآلود و اصولاً بیان‌نشده است.» به گفته‌ی اشراق هنر باید حس شود. از شوپنهاور گرفته تا نیچه و تولستوی که هرکدام توجه خاص به هنر داشتند هیچ‌کدام نتوانستند تعریف کامل از هنر ارائه کنند. «البته این نقص آن‌ها نیست، بلکه اصولاً هنر تعریف‌پذیر نیست. هنر اگر تعریف‌پذیر می‌بود امروز دیگر کیفیت خود را از دست می‌داد.» برای همین هم است که ما مثلاً نمی‌توانیم بگوییم نقاشی‌های داوینچی دیگر کهنه شده است. درست است که به‌لحاظ زمانی این نقاشی‌ها مربوط به چندین قرن قبل است اما می‌تواند برای معاصران کاملاً جدید و نو باشد، بدون آن‌که کم‌کیفیت و بی‌مفهوم باشد. این برداشت اشراق از هنر باعث شده کارهایش کلاً منطبق با همین رویکرد باشد. جنبه‌های از تعریف‌ناپذیری و رازآمیزی در نقاشی‌های معروف اشراق (از جمله تابلوی تبسم و فرخنده) می‌بینیم.

در کنار این‌ها، مسائلی چون قومیت و نژاد در افغانستان بسیار جدی است و این چیز باعث شده هنرمندان زیادی را تحت تأثیر قرار بدهد، و کارهای‌شان قوم‌گرایانه باشد. این موضوع اگرچند برای اشراق هم مطرح است اما او مدام تلاش کرده کارهایش رنگ و بوی قومی اما او نگیرد. او در اخیر می‌گوید «من به قومیت، نژاد و مسائلی از این دست باور ندارم. هر آن‌چیزی که غیرانسانی باشد مرا به کار وادار می‌کند. من قوم‌گرا و غیرستیز نیستم، من ظلم‌ستیز هستم.»



## نقاش دردها

### زندگی در کابل برای روایت کردن

عباس اسدیان

اتاق کار لطیف اشراق در یک ساختمان پنج‌منزله در ایستگاه «نقاش» دشت برچی موقعیت دارد؛ اتاقی نسبتاً کهنه و کمی نامنظم اما پر از تابلوهای نقاشی و وسایل کار. فضای نسبتاً تاریک و شلوغ اتاق آدم را یاد فضای کار شخصیت‌های نابغه و غیرمعمولی می‌اندازد که در فیلم‌ها دیده‌ایم و یا در کتاب‌ها درباره‌اش خوانده‌ایم. آن روزی که من سراغ او رفتم در اتاق تنها بود. می‌گفت بیشتر وقتش را در این‌جا سپری می‌کند و حتا گاهی روزهای جمعه هم کار می‌کند. تنها بودن در اتاقش را دوست دارد و این برایش نیروی مضاعف برای کار می‌دهد. اشراق اهل رسانه نیست و از شبکه‌های مجازی استفاده نمی‌کند، تلفن هوشمند ندارد و به ندرت به اخبار گوش می‌دهد. استدلالش این بود که «خبرهای خیلی مهم را به هرنحوی باخبر می‌شوم. نیاز نیست خودم را درگیر چیزهایی کنم که به زندگی کاری و حرفه‌ای من ربطی ندارند.»

### نقاشی و دنیای کارگری

لطیف اشراق ۵۰ سال قبل در ولایت غزنی به دنیا آمده است. او یکی از پرکارترین نقاش‌های کابل است و کارهایش دو سال قبل در نمایشگاهی بین‌المللی در فرانسه به نمایش گذاشته شد و مورد توجه قرار گرفت. زندگی‌اش همان قدر که ساده و بی‌آلایش بوده با دشواری‌ها و مشکلات نیز توأم بوده است. بنا به دلایلی نتوانسته دانشگاه بخواند اما در عوض با پشت‌کار و علاقه‌مندی شخصی توانسته شش سالی را که در ایران مهاجر بوده به کارگاه‌های آموزشی نقاشی برود. «در ایران هم کار می‌کردم و هم در کورس‌های آموزش نقاشی می‌رفتم. آن‌جا با آدم‌هایی آشنا شدم که خیلی چیزها به من آموختند.» بعد از آن چند سالی را در کویت زندگی کرده، اما به‌رغم این‌که در آن‌جا از آسایش مادی بیشتر برخوردار بوده اما روحاً احساس آرامش نداشته است. برای همین ترجیح داده در فضای خفقان‌آور و نامنم کابل زندگی کند و دوباره به کشورش بازمی‌گردد. اشراق می‌گوید نسبت به «وطن» به‌شدت احساس نوستالژیک داشتم. با لحن طنزگونه می‌گوید «حتا شب‌ها سنگ‌های قریه را در خواب می‌دیدم.»

اشراق رفتنش به ایران را با یک خاطره بازگویی می‌کند و می‌گوید برای ما مردم بعضی چیزهایی که اصلاً به زندگی‌مان ربط ندارد همه‌چیز است و در برابر چیزهایی دیگری که زندگی‌مان کاملاً به آن وابسته است بی‌تفاوت هستیم: «یک روز در اتاق بودم که یکی از دوستانم با وضعیت پریشان و آشفته وارد شد، با صدای بلند گریه می‌کرد. ترسیدم و فکر کردم یا خودش را چیزی شده و یا هم کسی از اقارب نزدیک فوت کرده. اما دلیل آشفستگی و پریشانی او چیز دیگر بود، مرگ روح‌الله خمینی.» می‌گوید من در همان سال ایران رفته بودم.

نقاشی‌های لطیف اشراق گذشته را روایت می‌کند. بخشی آن به این دلیل که گذشته را تکرار نکنیم و بخشی هم به این دلیل که بعضی عناصر گذشته را نباید از یاد ببریم و آن را حفظ کنیم. اشراق می‌گوید «وضعیت جامعه مرا وادار به کار می‌کند. من آدم فعال و سیاسی نیستم، اما این باعث نمی‌شود که نسبت به مسائل جامعه بی‌تفاوت باشم. من نقاشی می‌کنم تا روایت‌گر وضعیت جامعه خود باشم.»

اشراق از محدودیت‌ها و بدی‌های زندگی در کابل نیز یاد می‌کند. بدترین چیزی که هنرمندانی چون آقای اشراق را در کابل اذیت می‌کند دسترسی‌نداشتن به امکانات کافی و به همین ترتیب توجه‌نداشتن به کارهای‌شان است.

اشراق می‌گوید نقاشی‌هایش کاملاً برگرفته‌شده از عالم واقع است. اتفاقات پیرامونش باعث می‌شوند تا او آنان را در قالب نقاشی بیان کند: «هرکس حرفش را به هر طریقی بیان می‌کنند. من از طریق نقاشی حرف‌هایم را بیان می‌کنم.» آقای اشراق می‌گوید اما نقاشی‌ها گاهی خیلی انتزاعی می‌شود و این باعث می‌شود که اکثریت آن را نفهمند. او می‌گوید «درست است که فعلاً کسی چندان به کار ما ارزش قایل نمی‌شود. اما من ناامید نیستم و باور دارم که آدم‌هایی پیدا خواهد شد که مفهوم کار ما را درک کنند.» این نقاش باور دارد که کار شرقی می‌کند. اشراق می‌گوید علاقه‌ی خاص به «شرق» دارد: «کوشش می‌کنم روح شرقی در کارهایم خودش را نشان بدهد. در هر صورتش ما نمی‌توانیم بریده از حوزه فرهنگی و تاریخی‌مان فعالیت کنیم و واضح است که من از حوزه فرهنگی و تاریخی شرق متأثر هستم.»

تابلوی فرخنده یکی از جدی‌ترین کارهای لطیف اشراق است. او در این تابلو مخاطبانش را به چالش می‌کشد؛ آدم‌هایی که هویت‌شان مشخص نیست به سمت فرخنده هجوم آورده‌اند. مثل این‌که رازی در این تابلو وجود دارد و بخشی از این راز این است که همه‌ی ما در قتل فرخنده سهیم بوده‌ایم. اشراق می‌گوید «هنر در کل، و نقاشی به‌صورت خاص، امر رازآمیز را بیان می‌کند. اگر اثر هنری بیش از حد واضح باشد کیفیت آن پایین می‌آید.»

### نقاش دردها

سال‌هاست که افغانستان در وضعیت به‌شدت نابه‌سامان به‌سر می‌برد. زندگی مردم پر از درد و بدبختی است. این وضعیت روشن‌فکران و خصوصاً هنرمندان را وادار کرده است تا بیش از هر چیز دیگر کارهای‌شان را معطوف به بازگویی این واقعیت‌ها کنند. اشراق می‌گوید «لحظه‌های خوب هم در زندگی وجود دارد، اما در زندگی ما مردم



تابلوی فرخنده؛ شش‌سال قبل مردان خشم‌گین فرخنده را زجر کش کردند. عکس‌ها: ارسالی به اطلاعات روز.

# دشواری‌های اجرای عدالت انتقالی در توافق سیاسی صلح

## چه عواملی پس از صلح مانع نقض حقوق بشر می‌شود؟



با بازیگران مسلح غیرمسئول وسط است، درصدی ناکامی توافق‌نامه‌های صلح حتا بیشتر است. اما امضای توافق‌نامه به این دلیل مهم است که در توافق‌نامه صلح سازوکارهای تنظیم شده است تا بازیگران را حساب‌ده و متعهد به توافق‌نامه‌ای که امضا کرده‌اند، نگهدارند. این سازوکار به‌عنوان محدود کننده‌ی خطر در برابر برگشت مجدد زمینه جرایمی که در گذشته اتفاق افتاده، عمل می‌کند. «اگر توافق‌نامه صلح طوری تنظیم شود که بتواند ماهیت یک سند قانونی را داشته باشد و بر مرحله اجرای توافق‌نامه تأثیر بگذارد، می‌تواند جدی‌ر مانع نقض حقوق بشر شود.»

**۲. ملزم کردن گروه‌های مسلح مخالف دولت به حقوق بین‌الملل**  
نقش حقوق بین‌الملل برای تحمیل الزام قانونی به علت منافع ژئوپلیتیکی، ژئوپلیتیکی

کمتر سیاسی‌شده، محدوده عدالت انتقالی فراتر از وضعیت طفیلی و شامل جستجوی حقیقت، بهبود زخم قربانیان و ادغام نیروهای مسلح به جامعه است: «این‌ها راه‌هایی است که می‌توانند به‌عنوان گام‌های بهبود بخش فراتر از رویکرد بالا و پایین و به‌عنوان سمت‌وسو دهنده به‌سوی ثبات نقش بازی کنند.»

خانم اکبر عواملی را که می‌تواند مانع نقض حقوق بشر در آینده پس از امضای توافق سیاسی صلح شود به موارد ذیل فهرست می‌کند:

**۱. امضای توافق‌نامه**  
همه توافق‌نامه‌های صلح همیشه منجر به ایجاد صلح نمی‌شود. حدود یک‌سوم توافق‌نامه‌های صلح ناکام و منجر به دوام جنگ و خشونت از سوی بازیگران شده‌اند و زمانی که پای جنگ‌های ایدئولوژیکی

منفی و یا نبود خشونت است؛ صلحی که از توافق بین بازیگران جنگ نشأت می‌گیرد، برای آنان توافق جنگ و خشونت بر برقراری عدالت اولویت دارد.»

اما پرسشی که خانم اکبر مطرح می‌کند که در واقع بیان‌گر یک پارادوکس است، این است که چگونه می‌شود بدون پیاده‌کردن امکان صلح، به عدالت کافی رسید، چنانچه وی می‌گوید برای حرکت رو به جلو از رویکرد سیاه و سفید به سمت صلح و عدالت نیاز است زمینه‌های متعدد جستجو شود، به‌خاطر آنکه یافتن این راه‌حل‌ها نه تنها در درازمدت زمینه‌ی اجرای عدالت را مساعد می‌کند، که می‌تواند سبب ایجاد صلح مثبت نیز شود.

براساس سخنان خانم اکبر راه‌های دیگری نیز وجود دارد که قربانیان جنگ را به‌طور مستقیم و فراتر از یک نقش نمادین، شامل روند صلح می‌کند، اما با تمرکز به موضوعات

می‌شود: «یک توافق‌نامه جامع هدف توافق سیاسی تعیین نمی‌شود و معمولاً شامل پیش‌شرط‌هایی است که جزئیات روند به‌شمول دوره‌های انتقالی و گذار، تنظیم مقدمات برگزاری یک انتخابات -اگر انتخاباتی وجود داشته باشد-، بازنویسی و تعدیل قانون اساسی، برپایی نهادها، خلع سلاح و ادغام نیروهای جنگی، عودت مهاجران و ... را تنظیم می‌کند.»

به‌گفته‌ی خانم اکبر رسیدن به توافق صلح پس از جنگی که باعث نقض حقوق بشر، رنج و آزار شهروندان، قتل عام و کشتار تبعیض‌آمیز و یا دیگر زبان‌های اجتماعی و اقتصادی می‌شود، دشوار است؛ چون توافق صلحی که از یک جنگ مسلحانه‌ی خشن نشأت می‌گیرد، اغلب عدالت و حقوق قربانیان را نادیده می‌گیرد. «به عبارت دیگر، در این توافق‌نامه نوعی تنش/ تضاد بین پایان دادن به جنگ و حقوق بشر برای یافتن حساب‌دهی برای جرایم جدی حقوق بشری که در جریان جنگ اتفاق افتاده، وجود دارد به‌خاطر آنکه دوره‌ی توافق و یا مذاکره فضای همچو گفت‌وگویی را ایجاد می‌کند که در جریان جنگ ممکن نیست. اما ادعا وجود دارد که دلیل نادیده گرفتن عدالت در گفت‌وگوهای صلح این است که بازیگران برای صلح توافق نمی‌کنند. اگر به آنان گفته شود که بابت نقض حقوق بشر در جریان جنگ، مجازات خواهند شد. همین‌طور بازیگران با خلع سلاح در بدل حکم زندان نیز موافقت نخواهند کرد با ذکر این که هنوز بازیگران از قدرت نظامی برخوردارند.»

از دید او معمولاً دو کتگوری و یا دو ساختار فکری درگیر در روند و گفت‌وگوهای صلح وجود دارد که کتگوری و یا ساختار اول شامل آنانی است که اصولاً از حقوق بشر دفاع می‌کنند تا حقوق قربانیان را تضمین کنند و ساختار دوم شامل سازندگان صلح، مذاکره‌کنندگان و تسهیل‌کنندگان روند است که برای پایان دادن به جنگ تلاش می‌کنند. سازندگان صلح از تقاضا برای اجرای عدالت و حمایت از اولویت‌دادن به عدالت انتقالی همیشه نگران‌اند و فکر می‌کنند وقتی که هنوز تا رسیدن به صلح فاصله است، نباید اجرای عدالت انتقالی را اولویت داد: «آنان ادعا می‌کنند که برای برقراری عدالت زمانی کار خواهد شد که صلح برقرار شود. این‌جا صلحی که برقرار می‌شود، به معنای صلح

### فاطمه فرامرزی

سازمان حقوق بشر و دموکراسی افغانستان در ادامه سلسله نشست‌های «عدالت، رواداری و صلح‌سازی» روز پنج‌شنبه میزبان نشست دیگری زیر عنوان «عدالت انتقالی در ایجاد صلح: درس‌هایی برای افغانستان» بود. رایبه صالحی که گردانندگی این برنامه را بر عهده داشت، عدالت انتقالی را شامل دامنه‌ی وسیعی از اقداماتی تعریف کرد که به‌عنوان واکنش در برابر نقض گسترده حقوق بشر در شرایط جنگی عمل می‌کند. طوری که خانم صالحی اذعان کرد، عدالت انتقالی یک قالب با معیار جهانی ندارد و در زمینه‌های مختلف جنگی، تعاریف متفاوت اختیار می‌کند که به تعدادی از عوامل به‌شمول طرف‌های درگیر منازعه، نقش فعالان جامعه مدنی و حمایت منطقه‌ای و بین‌المللی بستگی دارد: «فارغ از این‌که عدالت انتقالی کدام حالت را به خود می‌گیرد، هدف اصلی همیشه یک چیز است و آن گذار یک جامعه از جنگ به صلح پایدار است.»

در همین حال فرخنده اکبر، دانشجوی مقطع دکترا در دانشگاه ملی استرالیا که در مورد دشواری‌های اجرای عدالت انتقالی در روند صلح صحبت می‌کرد، یادآور شد که توافق سیاسی صلح متفاوت از توافق در جنگ نظامی است که بین دو طرف جریان دارد و یا متفاوت از توافقی است که از سوی طرف سوم تحمیل می‌شود.

به گفته‌ی خانم اکبر توافق سیاسی معمولاً زمانی اتفاق می‌افتد که وارد شدن به روند مذاکره در دو طرف جنگ تحمیل شود: «این مهم است به خاطر داشته شود که چرا اجرای عدالت انتقالی اغلب در توافق سیاسی صلح نادیده گرفته می‌شود. توافق سیاسی صلح قطعاً بدین معناست که هیچ‌یک از طرفین جنگ برنده نیست، چیزی شبیه وضعیت امروز افغانستان که اجماع شکل گرفته است تا جنگ با یک توافق سیاسی ختم شود، بدون این‌که جنگ برنده‌ای داشته باشد، چون جنگ جریان دارد اما هیچ‌کدام نمی‌توانند پیش بروند.»

چنانچه این دانشجوی دانشگاه ملی استرالیا گفت، شاخصه مرکزی یک توافق صلح به‌صورت عمومی، تمرکز به سازمان‌دهی قدرت سیاسی برای آینده و توافق‌نامه‌ای است که با گفت‌وگو در محدوده و محتوای متفاوت در زمینه‌های مختلف جنگی آغاز

### لطف علی سلطانی

محمد اشرف غنی، رئیس‌جمهوری کشور در تازه‌ترین موضع خود نسبت به انتقال قدرت و تشکیل دولت پس از صلح می‌گوید که انتخابات برای او «یک اصل غیرقابل معامله است» و هر کسی که به دنبال قدرت است باید از همین مجرا بگذرد.

اقای غنی که دیروز (شنبه، ۱۶ حوت) در مراسم افتتاحیه سال سوم کاری دوره هفدهم تقنینی شورای ملی صحبت می‌کرد، گفت که برای تحقق صلح واقعی او حاضر به هرگونه فداکاری است، اما به هیچ عنوان از انتخابات نمی‌گذرد.

به گفته‌ی آقای غنی، شیوه‌ی انتقال قدرت در قانون اساسی افغانستان مشخص شده و او به هیچ عنوان از آن عدول نمی‌کند: «من مسئولیت دارم که از اشک و خونی که برای تحکیم مردم‌سالاری و حمایت از نظام جمهوری ریخته‌اند شده است صیانت کنم و قول می‌دهم که آن را به هدر ندهم.»

غنی همچنان تأکید کرد که یگانه راه تعدیل قانون اساسی مجرای است که در خود این قانون پیش‌بینی شده است.

او خطاب به طالبان گفت که رسیدن به اقتدار سیاسی یک دروازه دارد و آن دروازه‌ای است که مردم افغانستان توسط رأی خود آن

را باز می‌کنند.

غنی به گونه‌ی تلویحی اشاره کرد که انتخابات پیش از وقت می‌تواند برگزار شود. او گفت آماده است که در مورد برگزاری انتخابات شفاف تحت نظارت جامعه جهانی بحث کند: «در باره‌ی تاریخ برگزاری انتخابات هم می‌توانیم صحبت کنیم و به نتیجه برسیم.»

او از طالبان خواست که به جای خشونت به رأی مردم مراجعه کنند و حرف افغان‌ها را بشنوند: «افغان‌ها از جنگ خسته شده‌اند. اگر صلح در قبرستان نمی‌خواهید خشونت را متوقف و در عمل ثابت کنید که نیت واقعی برای صلح دارید. به میز مذاکره بیاوید و سریع به نتیجه‌ی مثبت برسید.»

آقای غنی موج جاری ترور در کشور را حمله به فکر و آینده‌ی روشن افغانستان عنوان کرد و گفت که هدف این کشتار، ایجاد فضای یأس و ناامیدی نسبت به آینده‌ی کشور است. موج کشتاری که آقای غنی به آن اشاره می‌کند، پس از شروع مذاکرات بین‌افغانی آغاز و در یکی دو ماه اخیر به اوجش رسیده است. در این مدت فعالان جامعه‌ی مدنی، خبرنگاران، زنان فعال، علمای دین و کارکنان خدمات ملکی دولت قربانیان این سلسله کشتارهای هدفمند بوده‌اند.

آقای غنی موج جاری ترور در کشور را حمله به فکر و آینده‌ی روشن افغانستان عنوان کرد و گفت که هدف این کشتار، ایجاد فضای یأس و ناامیدی نسبت به آینده‌ی کشور است. موج کشتاری که آقای غنی به آن اشاره می‌کند، پس از شروع مذاکرات بین‌افغانی آغاز و در یکی دو ماه اخیر به اوجش رسیده است. در این مدت فعالان جامعه‌ی مدنی، خبرنگاران، زنان فعال، علمای دین و کارکنان خدمات ملکی دولت قربانیان این سلسله کشتارهای هدفمند بوده‌اند.

## افتتاح سال جدید تقنینی شورای ملی؛

## غنی: قدرت تنها از راه انتخابات قابل انتقال است



بر اساس طرح جدید وزارت خارجه‌ی امریکا، قرار است صلح افغانستان هم به لحاظ شکلی و هم به لحاظ محتوایی تغییر کند. زلمی خلیل‌زاد، نماینده‌ی ویژه‌ی امریکا در امور صلح افغانستان در سفر اخیرش به کابل این طرح را به مقام‌های افغان پیشکش کرده است.

غنی با اشاره تلویحی به سفرهای اخیر شماری از چهره‌های مطرح سیاسی و

افغانستان توصیه کند. این کاغذها هم در گذشته نوشته شده، هم در حال نوشته می‌شود و هم در آینده نوشته خواهد شد. اما بر اساس وثیقه ملی که قانون اساسی ما است، عمل خواهیم کرد. هیچ کسی نمی‌تواند در مورد انحلال نهاد‌های که در قانون اساسی آمده است، تصمیم بگیرد. شورای ملی، قانونی اساسی و تمامی نهاد‌های ملی به جای خود خواهد ماند.»

### واکنش غنی به طرح تازه‌ی وزارت خارجه امریکا

رئیس‌جمهور غنی به طرح تازه‌ی که از سوی وزارت خارجه امریکا برای صلح افغانستان پیش‌نهاد شده است نیز واکنش نشان داد. آقای غنی در سخنرانی دیروز این طرح را «خیال و خواب» خواند: «هر نهادی می‌تواند خیال و خوابی را در کاغذی بنویسد و برای

## ترجمه

## زنان هندی، پیشگام اعتراضات کشاورزان؛ «دیگر اجازه نمی‌دهم مرا بترسانند یا بخرند»



تایم، نیلانجانا بهومیک  
برگردان: شریفه عرفانی

سازمان غذا و کشاورزی سازمان ملل متحد که خواستار اقدام در مورد شکاف جنسیتی در کشاورزی شده، می‌گوید که باید صدای زنان «به‌عنوان شرکای برابر شنیده شود» تا توسعه کشاورزی و امنیت غذایی محقق شود. اکنون در تظاهرات زنان صحبت می‌کنند. پیش از این، برخی از زنان بدون حجاب از خانه‌های خود بیرون نرفته بودند، چه رسد به این که در صحنه، مقابل هزاران مرد صحبت کنند. بسیاری از آن‌ها با تراکتور که نماد قدرت است و پیش از این مردانه بود، خود را به پایگاه‌های اعتراضی می‌رسانند. «نات» با تمجید از روح اعتراض در میان این زنان گفت: «زنان در این‌جا متحول شده‌اند. آن‌ها به‌عنوان کشاورز ادعای هویت می‌کنند.»

همه این‌ها در قلب اولیا پرادش، پنجاب و هاریانا که مردسالاری در آن حاکم است، رخ می‌دهد. تغییر ذهنیت در این ایالات که زن‌کشی، خشونت جنسی و تبعیض جنسیتی بیدار می‌کند چالشی مداوم برای فعالان بوده است. «سودش گویت»، فعال حقوق زنان می‌گوید: «ما مدت زیادی است که برای برابری جنسیتی در این بخش‌ها تلاش می‌کنیم، اما روند آن کند بوده.» در طی چند روز نخست اعتراضات در تکر، او تنها زن اهل هاریانا در آن‌جا بود. اما پس از آن که محکمه از آنان خواست صفوف اعتراضات را ترک کنند، زنان سرازیر شدند. آن‌ها همراه با خانواده‌ها یا زنان دیگر یا به تنهایی به اعتراضات پیوستند. به گفته‌ی او «این چیزی کمتر از یک معجزه نیست.»

«گورنام سینگ»، دبیر امور خارجه اتحادیه پنجاب کیسان می‌گوید، این فرصتی منحصر به فرد برای رسیدگی به عدم تعادل جنسیتی در جامعه هند است. در پایگاه‌های اعتراضات، زن و مرد از فرهنگ‌ها و جوامع مختلف مجبورند در کنار هم و بدون وجود حریم خصوصی و در شرایط سخت زندگی کنند.

فعالان با بهره‌گیری از این وضعیت نادر، بحث‌های مکرری در مورد کار زنان و سهم آن‌ها در اقتصاد روستایی به راه انداخته‌اند. اعلامیه‌های منظم از صحنه درمورد برخورد برابر با زنان در سراسر پایگاه‌ها در طول روز طنین انداز می‌شود. «هرشاران کاور»، انجینیر جوان فناوری اطلاعات که شغل خود را در دبی به خاطر حضور داوطلبانه در این اعتراضات ترک کرده، می‌گوید: «این همان هندی است که من دوستش دارم.»

در پایگاه اعتراضی قاضی پور، «راونیت کاور» ۲۹ ساله، دانشجوی حقوق از بنگلور، پیرامون مکالماتی تابو در هند از موفقیت خود در عادی سازی گفت و گو درباره‌ی قاعدگی می‌گوید. وی با کمک زنان معترض فروشگاهی مخصوص زنان در محل ایجاد کرده و در آن به صورت علنی نوارهای بهداشتی به فروش می‌رساند. او می‌گوید: «مردان خیلی زود به این مسئله عادت کردند. اکنون چنین مکالماتی در اینجا طبیعی است. مردان دیگر موقع به زبان آوردن کلمه‌ی نوار بهداشتی زبانشان نمی‌گیرند.»

این که آیا چنین احساساتی فراتر از اعتراضات گسترش خواهد یافت، مشخص نیست. اما در حال حاضر کشاورزان زن دیده، شنیده و تأیید می‌شوند. این نوع تازه‌ای از نگاه برابرانه به جنسیت در این کشور است. «سوخ دیپ سینگ»، کشاورز جوان پنجابی می‌گوید: «ما زنان را به چشم مادر، خواهر و همسر می‌دیدیم، اما اکنون از زاویه‌ی دیگری به آنان نگاه می‌کنیم.»

زنان نیز نگاهی متفاوتی نسبت به خود پیدا کرده‌اند. «سودری کندلا»، کشاورز ۵۵ ساله اهل هاریانا که تاکنون هرگز در تظاهرات مشارکت نکرده و بدون حجاب از خانه خود خارج نشده بود، می‌گوید: «من نمی‌دانستم توانایی‌ام فراتر از آن چیزی است که به‌عنوان زن، همسر و مادر از من انتظار می‌رود، اما حالا اینجا هستم» و با مشت‌هایی گره‌کرده ادامه می‌دهد: «و من اجازه نمی‌دهم به من ستم کنند، مرا بترسانند یا بخرند.»

پیام به زنان واضح بود: به خانه برگردید. از ماه نوامبر، صدها هزار کشاورز در مکان‌های مختلف در حومه پایتخت هند جمع و خواستار لغو سه قانون کشاورزی شدند که به گفته آن‌ها معیشت کشاورزان را از بین خواهد برد. در جنوری، همزمان با آغاز زمستان در دهلی نو، رییس عدلیه هند از وکلا خواست تا افراد مسن و زنان را ترغیب به ترک محل اعتراضات کنند. در پاسخ، زنان کشاورز که عمدتاً از ایالت‌های روستایی پنجاب، هاریانا و اوتار پرادش به صحنه آمده بودند، میکروفون‌ها را به‌دست گرفته و یکصدا گفتند: «نه!»

«جاسبیر کائور»، کشاورز ۷۴ ساله از اهالی رامپور در غرب اوتار پرادش می‌گوید: «وقتی شنیدیم دولت به زنان گفته به خانه برگردند، انگار به ما نیشتر زده شد.» او اواخر ماه فبروری بود و بیش از سه ماه از حضور او در منطقه‌ی «قاضی پور» می‌گذشت و در این مدت فقط یک بار به خانه بازگشته، وی از اظهارات دادگاه مبنی بر این که زنان فقط کارگرانی هستند که نقش مراقبت، خدمات آشپزی و نظافت را در این مکان‌ها ارائه می‌دهند، نه ذینفعان برابر با مردان، مبهوت شد: «چرا باید برگردیم؟ این اعتراض مردانه نیست. ما در کنار مردان در مزارع زحمت می‌کشیم. اگر کشاورز نیستیم، پس کیستیم؟»

زنانی مانند کائوربه ندرت چنین سؤالاتی می‌پرسند. آن‌ها مدت‌هاست که کشاورزی را به‌عنوان بخشی از وظیفه خود در خانه پذیرفته، ولی سهم خود در کشاورزی را نادیده گرفته‌اند. اما این موج اعتراض‌ها که بزرگ‌ترین تظاهرات مداوم در جهان و شاید بزرگ‌ترین تظاهرات در تاریخ بشر باشد، باعث شده تا هزاران نفر صدای خود را به گوش دیگران برسانند. هندی‌ها از هر سن، جنس، قبیله و مذهب با یک هدف مشترک متحد شده‌اند: لغو قوانین جدید کشاورزی که در ماه سپتامبر توسط دولت نخست‌وزیر نارندرا مودی تصویب شد. این قوانین که توسط دیوان عالی کشور در جنوری به حالت تعلیق درآمده اما هنوز لغو نشده، به شرکت‌های خصوصی اجازه می‌دهد مستقیماً از کشاورزان خرید کنند. به گفته معترضان این کار آن‌ها را زیر فشار خریداران قرار داده و سیستم سنتی فروش عمده یا «ماندیس» را از آنان می‌گیرد، سیستمی که براساس آن کشاورزان مطمئن بودند برای هر محصول حداقل قیمت در نظر گرفته می‌شود.

احتمالاً زنان که ستون اصلی کشاورزی هند هستند، بیش از دیگران در معرض استثمار شرکت‌ها قرار خواهند گرفت. براساس گزارش مؤسسه «آکسفام» در هند، ۸۵ درصد از زنان روستایی به کشاورزی مشغولند، اما تنها حدود ۱۳ درصدشان زمین دارند: «جاسبیر کائور نات» عضو اتحادیه پنجاب کیسان می‌گوید: «زنان را به چشم کشاورز نمی‌بینند. کار آن‌ها بسیار زیاد است اما به چشم نمی‌آیند.»

«آمندیپ کائور»، کشاورز از تالواندی در پنجاب، که شوهرش ۵ سال پیش به خاطر ناچیز بودن محصول ۷ هزار دالر بدهکار شد و خودکشی کرد، می‌گوید: «این قانون ما را خواهد کشت، همین داشته‌های ناچیزمان را هم خواهد گرفت.» کائور علاوه بر کشاورزی، برای تأمین هزینه زندگی خانواده خود در کلینک‌ها نیز کار می‌کند. او و دو دخترش فقط پس از مرگ شوهرش توانستند صاحب زمین شوند. وی نتوانست مبلغی را که دولت هند به خانواده‌ی کشاورزانی که بر اثر خودکشی می‌میرند، پرداخت می‌کند، بگیرد، چون نمی‌دانست باید برگه‌ی تصدیق خودکشی بگیرد. او می‌گوید: «من حتا از روش مطالبه خسارت از دولت برای مرگ شوهرم اطلاع نداشتم، حالا چطور می‌توانم با تاجران مذاکره کنم؟»

انتخاب می‌شود که به حیث تضمین کننده، ناظر یا تطبیق کننده عمل کند. تضمین کننده می‌تواند عناوین مختلف اختیار کند اما به نگاه به سایر تجربه‌ها، مانع اساسی در برابر رسیدن به صلح سازنده، نبود تضمین کننده در مرحله تطبیق توافق نامه است، چون امضای توافق نامه اول کار است و تطبیق آن سخت‌تر است.

در همین حال کبرا مرادی، دانشجوی مطبق ماستری در رشته حقوق بین‌الملل و دیپلماسی در دانشگاه ملی استرالیا که در مورد ضرورت اصرار بر اجرای عدالت انتقالی در روند صلح صحبت می‌کرد، عدالت انتقالی را سازوکاری مورد استفاده جوامعی که در وضعیت گذار از جنگ به صلح و دموکراسی قرار دارند تا به موارد نقض و سوءاستفاده حقوق بشر در کمیت بالا رسیدگی کنند، تعریف کرد.

خانم مرادی گفت محبت عدالت انتقالی زمانی مطرح می‌شود که نقض حقوق بشر در کمیت وسیع که شامل قتل عام، پاک‌سازی قومی و آزار و اذیت است، اتفاق افتاده باشد. «با در نظرداشتن این موارد، نمی‌شود گفت حالا می‌توانیم پیش برویم و آنچه را اتفاق افتاده فراموش کنیم تا به صلح برسیم.»

بر بنیاد صحبت خانم مرادی، با توجه به میزان بالای نقض حقوق بشر که در افغانستان اتفاق افتاده، این غم و اندوه محض برای قربانیان جنگ و خانواده‌های‌شان خواهد بود، اگر انتظار داشته باشیم که گذشته فراموش شود، بدون این که حتا از قربانیان معذرت‌خواهی شود: «همین‌طور بسیار غیرواقعیانه خواهد بود اگر رنج کسانی را که در جریان جنگ بی‌جا و آواره شده‌اند فراموش کنیم. بخشیدن کسانی که عامل نقض حقوق بشر بوده‌اند، نیازمند یک روند است و باید اقداماتی چون اقرار، افشاسازی، معذرت‌خواهی از سوی مرتکبین، انجام شود. بنابراین ناچاریم راهی بیابیم تا موارد نقض حقوق بشر را که در جریان جنگ و در جریان گذار اتفاق افتاده اصلاح کنیم.»

چنانچه خانم مرادی اذعان کرد، توافق صلحی که نقض حقوق بشر و وجود بی‌عدالتی را کاملاً به رسمیت نشناسد، احتمالش کم است که مشروع، محبوب و پایدار باشد. «با توجه به مورد افغانستان که خشونت ابعاد قومی و مذهبی داشته، میزان نفرت، ترس، نگرانی و بی‌اعتمادی بین گروه‌های مختلف بسیار بالاست و این عوامل فضایی را ایجاد می‌کند که جامعه و روند صلح را به سوی یک چرخه خشونت رهبری کند که هرگز پایانی ندارد.»

### گزارش

صلح، همین مشکلات به ویژه جنجال در قسمت مشارکت پس از صلح است.»

#### «سرپرستی در وزارت‌ها خاتمه یابد»

در همین حال، میررحمان رحمانی، رییس مجلس نمایندگان نیز از حکومت خواست که به مصوبات و فیصله‌های مجلس نمایندگان ارج گذاشته و با آغاز سال جدید کاری دوره هفدهم تقنینی شورای ملی، به عرف سرپرستی در وزارت‌خانه‌ها و ادارات مستقل دولتی پایان دهد.

در حال حاضر برخی از وزارت‌خانه‌ها از جمله وزارت‌های مالی، صحت عامه، اطلاعات و فرهنگ، امور زنان، احیا و انکشاف دهات و همچنان برخی از ادارات مستقل از سوی سرپرستان اداره می‌شود. هنوز مشخص نیست که حکومت چه وقت نامزدان تازه را برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس نمایندگان معرفی می‌کند.

آقای رحمانی همچنان گفت که شورای ملی خواستار کاهش خشونت‌ها در کشور است و از طالبان خواست که از خود انعطاف نشان دهند، خشونت‌ها را کاهش دهند و به میز مذاکره برگردند.

پس از پیروزی جویابیدن و بررسی توافق‌نامه‌ی صلح با طالبان، گفت‌وگوهای بین‌الافغانی هم به لحاظ شکلی و هم به لحاظ محتوایی دست‌خوش تغییراتی شده است. چندین منبع معتبر از دولت افغانستان به روزنامه‌ی اطلاعات روز تأیید می‌کنند که ایالات متحده طرح ایجاد یک حکومت عبوری و انتقال قدرت از دولت فعلی به دولت عبوری را به رهبران دولت افغانستان سپرده است. آقای غنی اما این طرح را خواب و خیال می‌خواند و بر انتخابات به عنوان تنها راه انتقال قدرت تأکید می‌کند.

سازی حقوق بین‌الملل و عدم موجودیت منافع سیاسی مشترک، محدود است. «در جنگ‌های درون یک کشور، توافق‌نامه‌ها به‌طور داخلی تطبیق می‌شود و مقید به قواعد داخلی یک کشور است و بنا نمی‌شود مطابق قوانین حقوق بین‌الملل تدوین شود اما راه دیگر برای مقید کردن گروه‌های مسلح غیر دولتی به مفاد توافق‌نامه از طریق حقوق بین‌الملل این است که بازیگران دولتی که طرف دیگر توافق‌نامه و یا حامی آن است، به قواعد حقوق بین‌الملل مقید شوند. بنا اگر یک توافق‌نامه صلح داخلی دولت دیگری که ذینفع جنگ و صلح است را شامل می‌شود، باید امضا کننده شود و این می‌تواند توافق‌نامه را از محدوده داخلی به بین‌المللی تبدیل کند.»

توافق‌نامه‌ها به‌لحاظ حقوقی می‌توانند براساس زبان مورد استفاده، تعهدات و مسئولیت‌های تقسیم شده که تصمیم می‌گیرند توافق‌نامه یک سند قانونی باشد، دسته‌بندی شوند. به عنوان مثال در توافق‌نامه افغانستان با طالبان، داشتن پاکستان به عنوان امضا کننده می‌تواند پاکستان را به‌لحاظ قانونی متعهد و مقید به توافق‌نامه کند و حضور بازیگران بین‌المللی به عنوان امضا کننده در توافق‌نامه صلح بسیار کمک کننده است که در مورد تعهدات توافق‌نامه بسیار جدی و سخت‌گیر باشند.

#### ۳. قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل

قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متعده راه دیگری است که می‌تواند در زمان امضای توافق‌نامه با گروه‌های غیردولتی، باعث ایجاد توافق‌نامه‌های الزام‌آور شوند. مسئولیت‌هایی که توسط قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد الزام‌آور می‌شود، می‌تواند طرفین را وادار کند که به تعهدات‌شان عمل کنند، چون این قطعنامه می‌تواند نظارت و سازوکار تطبیق و همچنان گزارش‌دهی از فعالیت‌های امضاکنندگان توافق‌نامه را مساعد کند: «قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل می‌تواند به‌عنوان شبکه ایمنی عمل کند که از صلح حمایت و بازیگران را اجازه ندهد که به جنگ و خشونت برگردند.»

#### ۴. تضمین کننده یا طرف سوم

با توجه به این که شمار زیادی از توافق‌نامه‌ها ناکام شده‌اند، نقش تضمین کننده‌ها بسیار اساسی شده است. وقتی دو طرف جنگ یک توافق‌نامه را امضا می‌کنند، یک طرف سوم

جهدی افغانستان به پاکستان و دیدار آنان با مقام‌های این کشور تصریح کرد که با رفتن به این در و آن در صلح پایدار تأمین نمی‌شود.

آقای غنی اجماعی که در سطح ملی، منطقه و جهان در مورد صلح افغانستان به میان آمده است، را «بی‌نظیر» خواند و گفت که حکومت در حال حاضر با حکومت جدید امریکا، ناتو و کشورهای منطقه تماس مداوم دارد تا این اجماع را بیشتر از پیش تقویت کند.

رییس‌جمهور غنی در سخنرانی دیروز از پاکستان نیز خواست که سیاست‌های چند دهه‌ی خود را کنار بگذارد و یک افغانستان آزاد و مقتدر را بپذیرد، زیرا به گفته‌ی غنی، این کار به سود پاکستان است: «به پاکستان صدا می‌کنم که به صلح بیاید و همدیگر را به عنوان دولت و ملت‌های مستقل بپذیریم.» غنی اضافه کرد که پاکستان اگر سیاستش را عوض کند، تمام دروازه‌های آسیای میانه به‌رویش باز می‌شود: «از این فرصت بزرگ استفاده کنید.»

#### نگرانی‌های پس از صلح

غنی در باره‌ی نگرانی‌ها و چالش‌های پس از صلح نیز گفت که نباید استعجالیت و نیت مثبت نسبت به صلح را با بی‌برنامگی و شتاب‌زدگی اشتباه گرفت. او با اشاره به چالش‌های مثل برگشت مهاجرین، معضل جنگ‌جویان گروه طالبان، شکل و ساختار نظام اشاره و تأکید کرد که این خطرات و چالش‌ها باید مدیریت شود. به گفته‌ی آقای غنی اگر این خطرات درست مدیریت نشود، فروپاشی محتمل است: «چشم‌پوشی از این خطرات می‌تواند عواقب فاجعه‌باری داشته باشد. کلان‌ترین عامل شکست پیمان‌های

اکنون در تظاهرات زنان صحبت می‌کنند. پیش از این، برخی از زنان بدون حجاب از خانه‌های خود بیرون نرفته بودند، چه رسد به این که در صحنه، مقابل هزاران مرد صحبت کنند. بسیاری از آن‌ها با تراکتور که نماد قدرت است و پیش از این مردانه بود، خود را به پایگاه‌های اعتراضی می‌رسانند. «نات» با تمجید از روح اعتراض در میان این زنان گفت: «(زنان در این‌جا متحول شده‌اند. آن‌ها به‌عنوان کشاورز ادعای هویت می‌کنند.)»

## کودتای میانمار؛ یوتیوب کانال‌هایی را که توسط ارتش اداره می‌شوند حذف کرد

اقدام کند. کریستین شارنر بورگنر، نماینده ویژه سازمان ملل در امور میانمار روز جمعه در جریان نشست غیرعلنی ۱۵ عضو شورای امنیت سازمان ملل گفت: «تا چه اندازه می‌توانیم به ارتش میانمار اجازه دهیم که به اقداماتش ادامه دهد؟ بسیار مهم است که این شورا مصمم و منسجم باشد و به نیروهای امنیتی میانمار هشدار دهد و قاطعانه در کنار مردم باشد و از نتایج روشن انتخابات نوامبر حمایت کند.»

سازمان ملل می‌گوید دست‌کم ۳۸ نفر از بیش از ۵۰ قربانی این اعتراضات، در جریان سرکوب گسترده روز چهارشنبه کشته شده‌اند.

ژنرال‌های ارتش میانمار طی یکماه اخیر، استفاده از زور را برای تضعیف بسیج دموکراسی‌خواهی در این کشور، جایی که هزاران نفر روزانه با حضور در خیابان‌ها کودتای نظامی را به چالش کشیده‌اند، بطور گسترده در دستور کار خود قرار داده‌اند.

شبکه‌های اجتماعی استفاده کرده تا ادعاهای خود مبنی بر تقلب در انتخابات نوامبر را که باعث پیروزی حزب آنگ سان سوچی شد، در میان اهالی این کشور گسترش دهد. اخبار رسیده از میانمار حاکی از آن است که کودتاگران در واکنش به اعتراضات گسترده مردمی که خواستار پایان دادن به حکومت نظامی و آزادی رهبران منتخب بازداشت شده هستند، دست‌کم ۵۵ نفر را کشته‌اند.

در ادامه خشونت‌ها در این کشور، روز جمعه نیز مقامات محلی هند اعلام کردند که گروهی از افسران پلیس میانمار در جریان تعقیب شماری از معترضان، مقررات مرزی دو کشور را نقض کرده و برای دستگیری آنها می‌کوشد که به هند پناه آورده بودند، وارد خاک این کشور شده‌اند.

### درخواست از شورای امنیت برای اقدام علیه کودتاگران میانمار

نماینده ویژه سازمان ملل در امور میانمار روز جمعه از شورای امنیت این سازمان خواست تا علیه رژیم کودتاگر



اطلاعات روز: در حالی که خشونت‌ها علیه معترضان به کودتا در میانمار رو به افزایش است، یوتیوب اعلام کرد که دست‌کم پنج کانال را که توسط ارتش میانمار اداره می‌شدند، حذف کرده است.

این وبگاه بارگذاری و تماشای ویدئو، عصر جمعه اعلام کرد که کانال‌هایی دولتی مانند کانال رادیو و تلویزیون میانمار (MRTV) همچنین رسانه‌هایی را که متعلق به کودتاگران است مانند Myawaddy Media و MWD Myanmar Variety حذف کرده است.

به گزارش یورونیوز فارسی، تصمیم یوتیوب برای بستن کانال‌های متعلق به نظامیان یک هفته پس از آن اجرایی شد که فیسبوک نیز تمام صفحات تحت کنترل نیروهای مسلح میانمار را حذف کرد.

سخنگوی یوتیوب اعلام کرد: «ما مطابق با دستورالعمل‌های خود و قوانین قابل اجرا، تعدادی از کانال‌ها را بسته و چند ویدئو را از یوتیوب حذف کرده‌ایم.»

ارتش میانمار طی چهار ماه اخیر به طور گسترده از

## تأکید سیستانی بر لزوم صلح و امنیت در عراق در دیدار با پاپ فرانسیس

است. رهبر کاتولیک‌های جهان در اولین سخنرانی خود در بغداد خواستار پایان دادن به خشونت و اختلافات مذهبی شد و گفت باید به طرفداران صلح فرصت داد. پاپ طی یک سخنرانی در کاخ ریاست‌جمهوری عراق و با حضور برهم صالح، رئیس‌جمهور و گروه کثیری از سیاستمداران عراقی و دیپلمات‌های خارجی گفت: «امیدوارم نبرد سلاح‌ها خاموش شود و خشونت و افراط‌گرایی پایان یابد.»

او پس از دیدار با آیت‌الله سیستانی عازم بازدید از سایت باستانی اور شد که گفته می‌شود زادگاه ابراهیم پیامبر است.

تمام عراقی‌ها باید در صلح و امنیت ضمن برخورداری از تمام حقوق قانون اساسی خود زندگی کنند.»

آیت‌الله سیستانی، ۹۰ ساله، به‌ندرت با کسی دیدار رسمی دارد و تاکنون از دیدار با نخست‌وزیرهای عراق نیز سر باز زده است.

او با این حال از نفوذی گسترده در میان مردم و اثر فراوان بر عرصه سیاست در کشور عراق برخوردار است. پاپ فرانسیس، رهبر کاتولیک‌های جهان، روز جمعه، ۱۵ اسفندماه، برای دیداری سه روزه وارد عراق شد. این نخستین دیدار یک پاپ از عراق و اولین خروج پاپ از اروپا پس از اعمال محدودیت‌های کرونا در این قاره

کاردینال در سوی دیگر نشستند. این دیدار ۵۵ دقیقه طول کشید.

خبرگزاری رویترز به نقل از منبعی در دفتر ریاست‌جمهوری عراق می‌نویسد که آیت‌الله سیستانی تنها با شرط عدم حضور مقامات عراقی در این دیدار حاضر به ملاقات با پاپ شده است.

طبق بیانیه دفتر آیت‌الله سیستانی که پس از این دیدار منتشر شد، او در گفت‌وگو با پاپ فرانسیس بر لزوم «صلح و امنیت برای مسیحیان» در عراق تأکید کرده است.

او تأکید کرده است که «شهروندان مسیحی نیز همچون

اطلاعات روز: در دومین روز از سفر «تاریخی» پاپ فرانسیس، رهبر کاتولیک‌های جهان روز شنبه در شهر نجف با آیت‌الله علی سیستانی، مرجع تقلید شیعه، در منزل او دیدار کرد.

به گزارش رادیو فردا، این نخستین بار است که یک پاپ با یک مرجع تقلید شیعه در این سطح دیدار می‌کند. رسانه‌ها این دیدار را نیز «تاریخی» توصیف کرده‌اند.

در خیرها آمده است که آیت‌الله علی سیستانی مانع حضور مقامات عراقی در این دیدار شده است.

در عکس‌هایی که از این دیدار منتشر شده، آیت‌الله سیستانی در یک سو و پاپ فرانسیس به همراه چند

## امریکا چین را به «حمله به دموکراسی هنگ‌کنگ» متهم کرد

هنگ‌کنگ را به دقت بررسی کند، تغییراتی که به گفته این اتحادیه آزادی‌های اساسی، تکرارگری سیاسی و اصول دموکراسی را تضعیف می‌کند.

وزارت خارجه بریتانیا نیز از مقام‌های چین خواست به تعهدات خود نسبت به مردم هنگ‌کنگ از جمله رعایت حقوق و آزادی‌های اولیه آنها عمل کند.

معاون دبیرکل کنگره خلق چین به نمایندگان گفت شورش و ناآرامی در جامعه هنگ‌کنگ نشان می‌دهد که نظام انتخاباتی این منطقه کمبودها و خلاهایی دارد و تغییر در این زمینه لازم است.

در اجلاس سالانه کنگره خلق چین که یک هفته طول خواهد کشید مسائل انتخابات طرح خواهد شد اما متن این تغییرات پیشنهادی هنوز علنی نشده است.

فعالان دموکراسی‌خواهی که هفته پیش براساس قانون امنیتی مصوب ۲۰۱۹ چین دستگیر شدند ممکن است به حبس تا ۴۷ سال محکوم شوند.



آزادی بیان و آزادی مطبوعات بهره‌مند باشد.

هزاران قانونگذار در اجلاس سالانه کنگره خلق شرکت کرده‌اند که انتظار می‌رود اهداف رشد اقتصادی و سیاست‌های محیط زیستی دولت مرکزی را تأیید کند.

ند پرایس سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفته است این حرکت دولت چین حمله مستقیم به استقلال و آزادی هنگ‌کنگ و روند دموکراسی در این منطقه است.

به گفته سخنگوی وزارت خارجه آمریکا عملی شدن این تغییرات نهاد‌های دموکراتیک هنگ‌کنگ را تضعیف خواهد کرد.

ند پرایس افزود واشنگتن در تلاش است تا با همراهی متحدانش اقدامی جمعی را علیه نقض حقوق اقلیت مسلمان در چین و سرکوب در هنگ‌کنگ انجام دهد.

پیشتر اتحادیه اروپا از پکن خواست تبعات سیاسی و اقتصادی تصمیم‌های خود برای تغییر نظام انتخاباتی

اطلاعات روز: آمریکا «تداوم حمله چین به نهادهای دموکراتیک هنگ‌کنگ» را محکوم کرده است.

به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، انتقاد آمریکا پس از آن مطرح شده که چین از برنامه خود برای تغییر نظام انتخاباتی در هنگ‌کنگ خبر داد.

کنگره خلق چین روز جمعه از این طرح پرده برداشت. براساس یکی از پیشنهادهای داوطلبان نامزدی در انتخابات پارلمان هنگ‌کنگ باید توسط کمیته‌ای وفادار به دولت پکن تأیید شوند.

سال گذشته نیز چین قوانین امنیتی سختگیرانه‌ای را در هنگ‌کنگ وضع کرد.

منتقدان می‌گویند پکن به دنبال سرکوب مخالفان و حذف مدل «یک کشور، دو نظام سیاسی» است.

براساس توافقی که پس از پایان دوران مستعمره بودن هنگ‌کنگ میان بریتانیا و چین منعقد شد هنگ‌کنگ اجازه پیدا کرد که از نظام حقوقی خود و آزادی‌هایی چون

## بایدن «وضعیت اضطراری ملی» در قبال ایران را یک سال دیگر تمدید کرد

جنرال‌برانگیز موشکی‌اش، «جنبه دفاعی» دارد. جمهوری اسلامی، روابط پرتنش با متحدان آمریکا در خاورمیانه دارد، اسرائیل را به‌عنوان یک کشور به رسمیت نمی‌شناسد و با گروه‌های فلسطینی که در اسرائیل و برخی دیگر کشورها «تروریستی» به‌شمار می‌روند، روابط نزدیکی دارد. ایران در عین حال حامی طیفی از گروه‌های شبه‌نظامی شیعه در خاورمیانه است.

امریکا همچنین به دنبال تصرف سفارت این کشور در تهران توسط دانشجویان پیرو خط امام در سال ۱۳۵۸ براساس فرمان اجرایی ۱۲۱۷۰ تحریم‌هایی علیه ایران اعمال کرده است.

تضعیف فرآیند صلح خاورمیانه و تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی، «وضعیت اضطراری ملی» اعلام کرد.

بیل کلینتون در فرمان اولیه تحریم علیه ایران، همکاری تجاری و سرمایه‌گذاری کشورش در صنعت نفت‌وگاز ایران را ممنوع کرد، و دو ماه بعد نیز آن را مشمول هر نوع تجارتی با ایران کرد.

این فرمان یا باید در بازه زمانی ۹۰ روزه پیش از محدوده یک ساله‌اش (۱۵ مارچ هر سال) تمدید شود و یا در غیر این صورت به طور خودکار لغو می‌شود.

جمهوری اسلامی حمایت از تروریسم را رد می‌کند، می‌گوید برنامه نظامی‌اش، به‌طور مشخص برنامه

خارجی و اقتصاد ایالات متحده است.»

رئیس‌جمهوری آمریکا اضافه کرده است: «به همین دلیل، به این نتیجه رسیده‌ام که وضعیت اضطراری ملی در خصوص ایران که در فرمان اجرایی ۱۲۹۵۷ اعلام شد ادامه خواهد یافت و در واکنش به این تهدید تحریم‌های همه‌جانبه علیه ایران برجای خود باقی خواهد ماند.»

از سال ۱۹۹۵ تاکنون تمام روسای جمهور آمریکا به طور سالانه فرمان اجرایی ۱۲۹۵۷ علیه ایران را تمدید کرده‌اند.

بیل کلینتون، رئیس‌جمهوری وقت آمریکا، در سال ۱۹۹۵ با متهم کردن ایران به حمایت از تروریسم،

اطلاعات روز: جو بایدن، رئیس‌جمهوری آمریکا، با امضای فرمانی، «وضعیت اضطراری ملی» علیه ایران را برای یک سال دیگر تمدید کرد.

به گزارش وب سایت کاخ سفید، جو بایدن در نامه‌ای به کنگره اطلاع داد فرمان اجرایی «وضعیت اضطراری ملی» درباره ایران را که برای نخستین بار در ماه مارچ ۱۹۹۵ میلادی توسط بیل کلینتون رئیس‌جمهوری وقت صادر شد، از ۱۵ ماه مارچ ۲۰۲۱ به مدت یک سال دیگر تمدید کرده است.

به نقل از رادیو فردا، در متن این فرمان آمده است، «اقدامات و سیاست‌های دولت ایران همچنان تهدیدی غیرمعمول و خارق‌العاده برای امنیت ملی، سیاست

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com

• سردبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶

• سردبیر آنلاین: الباس نواندیش

• گزارش‌گران و خبرنگاران: ایوذر ملک‌نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عبدالواحد حیدری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس و واجد روحانی

• مترجم: جلیل پژواک

• ویراستار: شیر مهربار

• صفحه آرا: رضا مظفری

• ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا

• ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

• آدرس: کابل، کارته‌سه شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷ توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

• mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

## اخلاق حکم می‌کند امریکا در افغانستان بماند

مسئولیتی داریم. امریکا برای ماندن و حمایت از افغانستان در برابر تهدید طالبان، یک دلیل اخلاقی دارد. البته این دلیل بدون محدودیت نیست. دلیلی نیست که به موجب آن بخواهیم جان هزاران امریکایی دیگر تلف شود یا تریلیون‌ها دلار دیگر به هدر رود. می‌دانیم که هزاران امریکایی در افغانستان نمی‌میرند. افغان‌ها می‌جنگند و می‌میرند. تلفات امریکایی‌ها کاهش یافته است: ۱۸ کشته در سال ۲۰۱۹ و چهار کشته در سال ۲۰۲۰.

افغانستان دیگر آن کشوری نیست که ما در آن تعداد زیادی نیرو داشته باشیم. نیروهای ما به حدود ۲۵۰۰ سرباز در این کشور کاهش یافته است. گرچه این کاهش بیش‌ازحد بوده است، اما ما در افغانستان تنها نیستیم. همه‌ی شرکای ناتو ما در افغانستان در کنار ما هستند، با ما مشوره می‌کنند، و حرف‌شان این است که ما باید در کنارهم تا زمانی در افغانستان بمانیم که این کشور به صلح واقعی که ارزش‌های ما را برآورده کند، دست یابد.

هزینه‌های ماندن ما نیز کاهش یافته است. افغانستان اکنون حدود ۲ درصد بودجه دفاعی ایالات متحده را مصرف می‌کند. این پول واقعی است اما اگر قضاوت کنیم که ارزش پرداخت به افغانستان را دارد یا خیر، به‌وضوح می‌بینیم که این پول سرمایه‌گذاری برای آینده پایدار است. هدف توافق ایالات متحده و طالبان صرفا خارج کردن نیروهای ما از افغانستان نبود. این کار نیازی به توافق ندارد. هدف توافق ما آغاز مذاکرات جدی و معنادار بین طرف‌های افغانستان بود. طالبان تا حال از هرگونه مذاکره معنادار خودداری کرده‌اند. آن‌ها خواسته‌های جدیدی دارند، روابط خود را با القاعده حفظ کرده و سرعت ترور روشنفکران را افزایش داده‌اند. در این شرایط، یا بهتر است بگوییم، در فقدان شرایطی که باید به‌وجود می‌آمد، ما طبق توافقنامه دوحه هیچ تعهدی برای ادامه روند خروج نداریم. ما باید تا زمان آغاز مذاکرات جدی و دست‌یابی افغانستان به صلح واقعی، دست‌نگه داریم. در مورد سطح فساد در افغانستان و حکومت‌داری ضعیف در این کشور نگرانی‌های جدی وجود دارد. این نگرانی‌ها به‌طور مشروع آنچه را که ما باید همچنان هزینه و قربانی کنیم، محدود می‌کند. اما اگر جوانان افغانستان مایلند خطر را بپذیرند (بلی، به خاطر چهره زندگی و جامعه‌ای که ما نیز بدان معتقدیم، بمیرند) آیا ما نباید با ناتو و سایر شرکای خود اراده کنیم و به همکاری خویش با افغانستان ادامه دهیم؟ من معتقدم که به حکم اخلاق باید این کار را انجام دهیم.

رونالد نیومن از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ سفیر ایالات متحده در افغانستان بود.

کارزار تروری که افغانستان را درنوردیده، از چهره واقعی طالبان پرده برداشته است. این گروه دست‌داشتن در این ترورها را رد می‌کند. اما در افغانستان فقط طالبان است که از دم و دستگاه پیشبرد چنین کارزاری برخوردار است. واضح می‌نماید که این گروه تمایلی به متوقف کردن این کارزار ندارد. این کارزار تلاشی برای از بین بردن یا فراری دادن رهبران فکری جامعه افغانستان است. این کارزار تلاشی برای تضعیف انسان‌هایی است که قرار نیست در برابر دیدگاه‌های قرون وسطایی که طالبان می‌خواهند زیر پرچم امارت در افغانستان بکارند، کوتاه بیایند.

آن جان می‌دهند. آن‌ها به معنای واقعی کلمه برای این چشم‌اندازها جان می‌دهند؛ موجی از ترورهای هدفمند قاضی‌های زن، روزنامه‌نگاران، آموزگاران، رییس نهادهای نظارتی انتخاباتی و بسیاری دیگر را هدف قرار می‌دهد. با وجود این جوانان افغانستان هر بار می‌ایستند. آن‌ها در ترس زندگی و کار می‌کنند، اما همچنان کار می‌کنند. آن‌ها به‌عنوان روزنامه‌نگار، به‌عنوان مجریان تلویزیونی، به‌عنوان معلمان مکاتب، به‌عنوان کارمندان دولت، به‌عنوان کارمندان بی‌شمار سازمان‌های غیردولتی که جامعه مدنی افغانستان را می‌گرداند، کار می‌کنند. آن‌ها کار می‌کنند و بی‌نهایت شایسته‌تر از سیاستمداران جنجال‌پیشه‌ای هستند که سکان رهبری افغانستان را در اختیار دارند.

کارزار تروری که افغانستان را درنوردیده، از چهره واقعی طالبان پرده برداشته است. این گروه دست‌داشتن در این ترورها را رد می‌کند، اما در افغانستان فقط طالبان است که از دم و دستگاه پیشبرد چنین کارزاری برخوردار است. واضح می‌نماید که این گروه تمایلی به متوقف کردن این کارزار ندارد. این کارزار تلاشی برای از بین بردن یا فراری دادن رهبران فکری جامعه افغانستان است. این کارزار تلاشی برای تضعیف انسان‌هایی است که قرار نیست در برابر دیدگاه‌های قرون وسطایی که طالبان می‌خواهند زیر پرچم امارت در افغانستان بکارند، کوتاه بیایند.

حالا که بیشتر جوانان افغانستان درحال ساختن نوع جامعه‌ای هستند که ما برای‌شان تبلیغ کردیم، آیا مسئولیت اخلاقی ما این نیست که به حفظ آنچه را که در ساختن همکاری کردیم، کمک کنیم؟ من فکر می‌کنم چنین



رونالد نیومن، هیل مترجم: جلیل پژواک

با هزینه‌های فعلی است. در افغانستان ما امریکایی‌ها کسانی هستیم که چشم‌انداز آزادی و تغییر جامعه را عرضه کردیم. ما بودیم که جوانان افغان را آموزش دادیم و بارها به آن‌ها قول دادیم که از آزادی‌های‌شان حمایت می‌کنیم. ما بودیم که به ساخت رسانه آزاد در این کشور کمک کردیم که پیشرفت آن تا به امروز به گونه‌ای بوده است که نظیر آن در هیچ‌یک از کشورهای همسایه افغانستان دیده نمی‌شود. از همین مساعدت‌های دونه‌های خصوصی و بودجه حکومت ایالات متحده، اکنون افغانستان دانشگاه امریکایی افغانستان را دارد که پیش‌تاز علم و آموزش در افغانستان امروزی به‌شمار می‌آید. افغانستان دانشگاهی را دارد که پس از حمله وحشیانه طالبان در سال ۲۰۱۶، دانشجویان آن اعم از دختران و پسران، که برخی مجروح نیز بودند، در سوگ هم‌کلاسی‌های‌شان نشستند اما در فردای حمله عقب نشستند و به کلاس‌های‌شان بازگشتند و فارغ‌التحصیل شدند.

سازمان‌های غیردولتی خارجی و افغان جامعه مدنی، نهادهای حقوق بشری، نهادهای مستقل نظارت بر انتخابات و مکاتب دخترانه افغانستان را ایجاد کردند. ما این چشم‌اندازها را عرضه و بودجه آن را تأمین کردیم. جوانان افغانستان به این چشم‌اندازها جان بخشیدند و امروز برای زنده‌نگهداشتن

پس از ۲۰ سال درگیری در جنگ افغانستان، طرفداران ماندن ایالات متحده در این کشور عمدتاً استدلال‌شان را از منظر امنیتی و مسأله مبارزه با تروریسم مطرح می‌کنند که در افغانستان همچنان هدف اساسی ایالات متحده به‌شمار می‌رود. آن‌ها دست‌یابی به سایر اهداف مانند تسهیل پیشرفت زنان افغانستان، تأمین آزادی مطبوعات و تقویت دموکراسی را امری مطلوب می‌دانند، اما نه چیزی که امریکا باید جنگ را برای آن ادامه دهد. من در کل با این استدلال موافق هستم. طی این ۳۷ سال کار و زندگی به‌عنوان دیپلمات امریکا، باور داشته‌ام که حقوق بشر ارزش حمایت و دادخواهی را دارد، اما نمی‌شود آن‌را دلیل موجه برای فرستادن سربازان امریکایی به میدان جنگ دانست. اما در خصوص افغانستان، من معتقدم که امریکا یک دلیل اخلاقی خوب برای ماندن در این کشور دارد. در این‌جا منظور من از «ماندن»، «حضور همیشگی» و «حضور به هر قیمتی» نیست، بلکه منظورمان ماندن برای مدتی بیشتر در افغانستان

### تحلیل

و آزادیش را تهدید می‌کند، دفاع نموده و به صورت اختیاری و با علاقه خود را تسلیمش می‌کند. علت این عارضه روانی عموماً یک نوع مکانیسم دفاعی دانسته می‌شود (ویکپدیا). گروه‌گان‌ها در این وضعیت چنان تحت تأثیر گروه‌گان‌گیر قرار می‌گیرند که بدین باور می‌رسند که آن‌ها ذاتاً افراد نیک سرشت هستند و این شرایط است که باعث می‌شود تا آن‌ها تبهکار و یا هم تروریست شوند.

اصطلاح سندرم استکهلم یا (Stockholm Syndrome) برای اولین بار، پس از سرقت از بانکی در استکهلم سوئد مورد استفاده قرار گرفت و بعدها توسط روان‌شناسی به نام فرانک اوخبرگ تعریف و نام‌گذاری شد. طی این گروه‌گان‌گیری، چهار کارمند بانک به مدت ۶ روز به گروه‌گان گرفته شدند. جالب این‌جاست که طی این شش روز، قربانیان چنان وابستگی عاطفی به گروه‌گان‌گیرها پیدا کردند که حتا از همکاری با پلیس سر باز زدند و پس از آزادی، در دفاع از گروه‌گان‌گیران خود برآمدند.

وضعیت ویکس نیز شباهت بسیار به قضیه سرقت بانکی دارد. او پس از آزادی به دوحه قطر سفر کرد و در میدان هوایی توسط انس حقانی (شخصی که در بدل آزادی او از زندان بگرام آزاد شده بود) مورد استقبال قرار گرفت و با او قهوه نوشید. او عکس این ملاقات را در تویترش شریک ساخته بود. او در مورد انس حقانی می‌گوید او شخص حلیم و مهربان و دلسوز برای کشورش است. او چنین نظری در مورد زندان‌بانانش نیز دارد.

اگر بخواهیم از بُعد روان‌شناختی قضیه ویکس را بررسی کنیم، باید گفت که اساساً این اختلال روانی به‌دلیل تلاش ناخودآگاه نوع بشر برای بقا شکل می‌گیرد تا جایی که می‌توان گفت نگرش مثبت نسبت به آدم‌ریا یک مکانیسم دفاعی از جانب کسی است که در اسارت می‌باشد. در چنین شرایطی، ویکس که در بند است با خود فکر می‌کند که مبدا مظنون/مظنونین فکر کنند که رابطه عاطفی وی ساختگی است و به همین دلیل وی شروع به واقعی تلقی کردن این رابطه مثبت می‌کند و این نقطه همان جایی است که ویکس در دام سندرم استکهلم گیر می‌کند.

### سندرم استکهلم؛

## تیموتی ویکس از گروه‌گان تا حامی طالبان



را عالی جناب خطاب می‌کند. او در طوفان تویتری طالبان سهم می‌گیرد و در متن می‌نویسد که نباید در خروج نیروهای نظامی ایالات متحده تأخیر به‌وجود بیاید. شدت این نوع تویت‌ها زمانی بیشتر شد که ایالات متحده اعلام کرد که متن توافق‌نامه صلح را بازبینی می‌کند و در صورت لزوم در اول می‌از افغانستان خارج نمی‌شوند. او در تویت دیگر تصمیم تأخیر در خروج نظامیان را خطرناک خواند و آن‌را به ضرر مردم افغانستان دانست.

ویکس، به طور مداوم در تویتر فعال است و برای طالبان و آمدن صلح تویت می‌کند. در بالا از باب نمونه چند تویت او را مورد بررسی قرار دادیم.

به نظر می‌رسد که او دچار سندرم استکهلم گردیده است. سندرم استکهلم به وضعیت روانی گفته می‌شود که در آن گروه‌گان حس یکدلی و همدردی و احساس مثبت نسبت به گروه‌گان‌گیر پیدا کرده و در مواقعی این حس وفاداری تا حدی است که از کسی که جان، مال

گفته اند که هیچ کسی حق ندارد تا افراد خارجی را در میان صفوف خود جا بدهند و در صورت تخطی، فرد خاطی مورد مواخذه قرار خواهد گرفت. به تاریخ ۲۴ فبروری ۲۰۲۱ او در مورد گسترش اسلام‌هراسی در استرالیا می‌نویسد و می‌گوید که چندین‌بار به دلیل اعتقاداتش مورد اذیت و آزار قرار گرفته است.

به تاریخ ۲۰ فبروری ۲۰۲۱ او در تویت دیگری به نحوی از سخنان مولوی مجیب‌الرحمان انصاری حمایت کرده است و دولت افغانستان را دست‌نشانده ایالات متحده امریکا خوانده است. او می‌گوید فساد در نهادهای حکومتی افغانستان باعث گردیده است تا ملاهایی صدای خود را بلند کنند.

او به تاریخ ۱۶ فبروری تویتی از یکی ژورنالیستان وابسته به امارات اسلامی طالبان (احمد فایز) در مورد نامه ملا برادر به شهروندان را ریتویت کرده است. او در متن، ملا برادر را مورد مدح و ستایش قرار می‌دهد و او

### علی‌سجاد مولایی

در هفتم اگست سال ۲۰۱۶ دو استاد دانشگاه امریکایی افغانستان کوین کینگ و تیموتی ویکس توسط افراد نامعلوم از شهر کابل ربوده شدند و سرانجام پس از سه سال در بدل آزادی سه مقام ارشد طالبان (انس حقانی، مالی خان و حافظ عبدالرشید) که در زندان بگرام در بند بودند، از زندان طالبان رها شدند. در جریان این سال‌ها گزارش‌ها و گمانه‌های متعددی در مورد زنده‌بودن و وضعیت صحنی این دو استاد به نشر رسید. در ویدیویی که در ۲۰۱۷ از سوی شبکه‌ی حقانی به نشر رسیده بود، بیانگر وخیم‌بودن وضع صحنی و محروم بودن این دو استاد از بهداشت خوب بود.

پس از آزاد شدن تیموتی ویکس در مورد خاطرات دوران گروه‌گان بودنش می‌گوید. ویکس در سال ۲۰۱۹ در آدلاید استرالیا در میان جمعی از خبرنگاران بیان کرده بود که از طالبان نفرت ندارد و او در مورد زندان‌بانان چنین می‌گوید: «برخی از آن‌ها خیلی مهربان و دوست‌داشتنی بودند. گاهی فکر می‌کردم که چرا سرنوشت آن‌ها را به آن‌جا کشانده شده است.» او در ادامه می‌گوید هنگام رهایی از آن‌جا آن‌ها را به آغوش گرفته و با آن‌ها خداحافظی کرده است.

تیموتی ویکس پس از رهایی از بند طالبان، به یک طرفدار پروپا قرص این گروه و پروسه صلح مبدل گردیده است. او در مشخصه (Bio) حساب تویترش چنین نگاشته است: «پس از سه و نیم سال اسارت در نزد طالبان، زندگی من برای همیشه با افغانستان و مردم آن پیوند خورده است. من برای صلح تویت می‌کنم، من برای زندگی تویت می‌کنم.» او یکی از افراد مهم در طوفان تویتری طالبان که هشتگ از افغانستان خارج شوید، بود و تویت‌های او از سوی حساب‌های تویتری طالبان چندین مرتبه ریتویت و مورد استقبال قرار گرفته بود. قابل ذکر است که او در تویتر ۱۱ هزار دنبال کننده دارد.

او در تویتری به تریبونی برای طالبان مبدل گردیده است و اخبار این گروه را نشر و بازنشر می‌کند. او در تویتی در تاریخ ۲۵ فبروری ۲۰۲۱ اعلامیه طالبان را در مورد حضور افراد خارجی نشر کرده است. که طالبان

واقع بینانه تری از دوحه داشتند. بخش عمده آن توقعات با پیمان صلح امریکا و طالبان برآورده شد. از دید امریکاییها آنچه می توانست در دوحه صورت بگیرد، صورت گرفت: «قطر هر چند بازیگر هوشمندی است و دیپلماسی فعالی دارد، اما وزنه لازم برای شکل دهی یک اجماع کلان منطقه ای را بر سر معضل افغانستان ندارد.»

آقای فروغ می گوید که دیپلمات های غربی به این محدودیت پروسه دوحه از همان آغاز واقف بود، اما بدیلی برای آن وجود نداشت. «اداره بایدن در همکاری با ترکیه در واقع بدیل دوحه را ارائه کرده است. اگر ترکیه بتواند در همکاری با شرکای ناتو، روسیه، چین، ایران و پاکستان - که اتفاقاً با همه کشورها میانه خوبی دارد - پروسه انقاره (آنکارا) را به زودی راه بیندازد، انقاره نشانی اصلی برای صلح افغانستان خواهد شد.»

## سکوت طالبان و مخالفت غنی با «طرح دولت انتقالی صلح»

آیا روند صلح دوحه شکست خورده است؟

تابش فروغ، نویسنده و تحلیلگر مسائل سیاسی در گفت و گو با اطلاعات روز می گوید که شکست و بن بست پروسه دوحه از همان فردای امضای توافق ایالات متحده با طالبان، اجتناب ناپذیر بود. امریکایی ها توقعات واقع بینانه تری از دوحه داشتند. بخش عمده آن توقعات با پیمان صلح امریکا و طالبان برآورده شد.



عباس عارفی

حکومت افغانستان دارای یک طرح ضمیمه نیز می باشد که جزئیات آن هنوز محفوظ است، اما به احتمال زیاد همان طرحی حکومت مشارکتی باشد که زلمی خلیل زاد در سفر قبلی با رهبران سیاسی شریک کرده بود، البته این بار با اندکی تغییرات و اصلاحات. خلیل زاد پس از سفر سه روزه اش در کابل، در رشته تویتهایی، این سفر را پر بار خواند.

### طرح حکومت مشارکتی و تجربه شبیه بن

نعمت الله ابراهیمی، نویسنده و پژوهشگر در دانشگاه دیکین استرالیا در گفت و گو با اطلاعات روز می گوید که اگر چند تاکنون جزئیات این طرح بیرون نیامده است، اما در مجموع طرح حکومت مشارکتی صلح بیانگر سیاست عمومی اداره بایدن در ارتباط به سیاست افغانستان است که چند مشخصه برجسته دارد: «این طرح بازگشت به همه جانبه گرایی در روابط بین الملل در کل و در قضا به افغانستان به خصوص، که در این طرح مشهود است و می توان آن را در راستای برنامه کلان اداره بایدن برای بازگشت امریکا به نهادهای بین المللی و میکانیزم های بین المللی ارزیابی کرد.»

الهام غرجی، نویسنده و پژوهشگر سیاست بین الملل و حل منازعات در گفت و گو با اطلاعات روز می گوید که امریکایی ها می خواهند دو طرف مذاکره هر چه زودتر به توافق برسند. تجربه یک سال گذشته نشان داده است که پروسه دوحه زمان گیر است و احتمال این که ممکن است بیشتر از یک سال دیگر هم وقت بگیرد تا توافقی حاصل شود، وجود دارد: «در ضمن، هم طالبان و هم دولت نشان داده اند که انگیزه ی چندانی برای یک سازش سیاسی برای ختم جنگ ندارند. بنابراین، امریکایی ها به دنبال یک طرح دیگر مثل بن هستند که هم بتوانند با آوردن کلان مهره های سیاسی افغانستان سطح مذاکرات

رییس جمهور غنی در نشست افتتاحیه سال سوم تقنینی پارلمان، در واکنش به طرح تازه اداره بایدن در رابطه به پروسه صلح افغانستان و بحث های اخیر که پیرامون سفر زلمی خلیل زاد به کابل شکل گرفته است، بار دیگر تأکید کرد که انتقال قدرت از راه انتخابات یک اصل غیر قابل معامله است: «هر نهادی می تواند برای عبور از بحران طرح های روی کاغذ بنویسد، از این کاغذها در گذشته بسیار نوشته شده است، اما وثیقه ی ملی ما قانون اساسی است.» اگر چند که رییس جمهور غنی بر اصل انتخابات و حفظ قانون اساسی تأکید کرد، ولی همزمان به برگزاری انتخابات زودهنگام و تعدیل قانون اساسی نیز اشاره کرد.

رییس جمهور غنی در حالی به اصل برگزاری انتخابات و حفظ قانون اساسی تأکید می کند که در یک هفته ی گذشته، همزمان با سفر زلمی خلیل زاد، نماینده ویژه امریکا در امور صلح افغانستان به کابل، بحث های پیرامون بالابردن سطح مذاکرات صلح، طرح حکومت مشارکتی صلح و تسریع روند مذاکرات شکل گرفته است. قبل از این آخرین باری که زلمی خلیل زاد به کابل سفر کرده بود، حامل طرحی بود که باعث خشم رییس جمهور غنی شد و حاضر نشد با خلیل زاد ملاقات کند.

حالا پس از یک وقفه خلیل زاد در حالی به کابل آمد که به نقل از برخی منابع معتبر در ارگ و شورای عالی مصالحه، یک روز قبل از آمدن خلیل زاد به کابل، آنتونی بلینکن، وزیر خارجه امریکا ضمن تماس تلفنی، در دو نامه ی جداگانه به رییس جمهور غنی و داکتر عبدالله عبدالله، با اشاره به بازنگری استراتژی ایالات متحده در قبال پروسه صلح افغانستان، خواهان تسریع روند صلح، ایجاد اجماع ملی پیرامون صلح و بالا بردن سطح گفت و گوها شده بود. به نقل از این منابع، نامه ی وزیر خارجه امریکا به رهبران

را بالا ببرند و هم جامعه ی بین المللی، کشورهای منطقه و در رأس آن ملل متحد را مستقیماً وارد بحث کنند. آقای غرجی می گوید که حکومت با این طرح موافق نیست، اما در بیرون از حکومت، حمایت از یک حکومت مشارکتی و تقسیم قدرت با طالبان در حال شکل گیری است. آقای ابراهیمی به برجسته سازی نقش سازمان ملل متحد در پروسه صلح افغانستان و به تفاوت این طرح با برنامه قبلی دولت امریکا اشاره می کند و باور دارد که «این طرح نسبت به رویکردی که اداره ترمپ در دوحه داشت، فرق می کند. در آن جا مستقیم و یکجانبه با طالبان وارد تعامل شدند. حالا اگر این طرح به پیش برده شود، پروسه دوحه عملاً متوقف می شود و ما شاهد یک برنامه و رویکرد دیگر هستیم. در این طرح نکات مثبت زیاد وجود دارد، مثلاً حفظ آزادی ها و این که نظام سیاسی آینده از مسیر نظام سیاسی فعلی عبور می کند. دولت عبوری طوری طراحی می شود که تهداب آن قانون اساسی ۲۰۰۴ است و آزادی های مدنی نیز تأمین می شود.»

### آیا پروسه دوحه شکست خورده است؟

عمر صمد، نویسنده و پژوهشگر در شورای اتلانتیک، در گفت و گو با اطلاعات روز می گوید که موضوع اساسی شکست و یا کامیابی پروسه ی دوحه نیست، بلکه اصل قضیه خاتمه دادن به جنگ، زمینه سازی برای یک روند جدی مصالحه و حرکت به طرف یک مرحله ی گذار، همه شمول و انتقالی می باشد که متضمن ثبات و آرامش نسبی در کشور و در یک مرحله ی مشخص، زمینه را برای خروج نیروهای خارجی از افغانستان فراهم سازد. «اگر برنامه جدید اداره بایدن نتیجه بدهد و از اجماع افغانی و بین المللی کافی برخوردار شود، در آن صورت پروسه دوحه به پروسه جدید دیگر مبدل می شود و مذاکرات بین الافغانی هم شکل نور را به خود خواهد گرفت.»

با این حال پروسه دوحه بر مبنای توافق نامه دوحه میان امریکا و طالبان شکل گرفته است و در صورت شکست پروسه دوحه، سرنوشت توافق نامه دوحه مورد پرسش قرار می گیرد. در این رابطه آقای صمد معتقد است که توافق نامه دوحه با سه سرنوشت روبه رو است: «تطبیق آن چنانچه پیش بینی شده، نقض آن از سوی یک جانب بدون توافق جانبی، تعدیل آن با توافق جانبی.»

تابش فروغ، نویسنده و تحلیلگر مسائل سیاسی در گفت و گو با اطلاعات روز می گوید که شکست و بن بست پروسه دوحه از همان فردای امضای توافق ایالات متحده با طالبان، اجتناب ناپذیر بود. امریکایی ها توقعات

### طالبان طرح بدیل را خواهند پذیرفت؟

گروه طالبان در بیانیه ای که به مناسبت یک سالگی توافق نامه دوحه نشر کرده، هر نوع تلاش برای آوردن بدیل برای توافق نامه دوحه را محکوم به ناکامی دانسته اند. در بیانیه ی طالبان آمده است: «توافق نامه دوحه راه عملی را برای برقراری امنیت و ثبات در افغانستان ایجاد نموده است. اگر در مقابل آن، به هر بدیلی دیگر تلاش می شود، نتیجه آن از همین اکنون به ناکامی محکوم می باشد.»

اما با این هم گفته می شود که خلیل زاد پس از کابل به دوحه رفت را تا این طرح را با رهبران طالبان در میان بگذارد. الهام غرجی می گوید این که طالبان چنین طرحی را خواهند پذیرفت یا نه، اما و اگرهای وجود دارد. بزرگ ترین شرط طالبان بیرون شدن نیروهای خارجی از افغانستان است. امریکایی ها هم گفته اند که از افغانستان بیرون می شوند، اما می خواهند مطمئن شوند که خروج آنان منجر به سقوط افغانستان در هرج و مرج نمی شود: «طالبان نمی خواهند در قالب نظام فعلی و یا تحت رهبری نظام فعلی وارد سیستم شوند. برچیدن حکومت غنی به لحاظ مشروعیت سیاسی طالبان به همان اندازه مهم است که خروج امریکا.» آقای غرجی معتقد است که طالبان همواره خواسته اند حکومت افغانستان را دور بزنند و با کلان مهره های قومی یا همان جبهه ی متحد سابق مذاکره کنند، چون بزرگ ترین مانع در آخر روز بر سر راه طالبان، مقاومت در مرکز و شمال افغانستان علیه آن ها است.

نعمت الله ابراهیمی می گوید با آنچه که ما از طالبان می دانیم، احتمال این که این گروه طرح بدیل پروسه دوحه را بپذیرند، بعید است: «طالبان همیشه آمادگی این را داشته که از نظر ایدئولوژیک موضعی را بگیرند که در آن مشروعیت جنگ و به گفته خود شان جهاد آن ها زیر سوال نرود. در این مورد یک استثنای کلان وجود دارد: اگر امریکا و پاکستان کدام برنامه ی کلان در زمینه افغانستان داشته باشند، در آن صورت ممکن است که پاکستانی ها طالبان را وادار کنند تا وارد سازوکار سیاسی جدید شوند.»

تابش فروغ معتقد است که طالبان از دیپلماسی با امریکا هم در سطح تاکتیکی و هم در سطح استراتژیک منفعت برده اند: «طالبان می دانند که در موازات جنگ باید همچنان به دیپلماسی ادامه بدهند. از این رو با حفظ امتیازاتی که از دوحه به دست آورده اند، به پروسه انقاره می پیوندند. توافق نامه دوحه در واقع قرآن سیاسی طالبان است. از آن کم نمی خواهند، ولی اگر در چانه زنی بیشتر به دست آوردند، امتیاز مضاعف برای شان خواهد بود.»

## خانه موفقیت

# The TOEFL HOUSE

Unlock the World with TOEFL

0747 994 244  
0745 651 844  
0747 918 200

شعبه (کوه سنگی): کوه سنگی، گولابی دوخله، لیستگاه سلطه.  
شعبه (برچی): برچی، لیستگاه مغزده کوجه اول باغ خان.  
شعبه (سلیم کلون): سرکد چهل متره، چهارواهی سلیم کلون.

toeflhouse@gmail.com

TOEFL House